

## **Russia's Hybrid War against the Republic of Ukraine, Emphasis on Intelligence Strategy**

*Danial Rezapoor<sup>1</sup>*  
*Abulfazl Majidi<sup>2</sup>*

### **ABSTRACT**

After nearly six years of the start of the Ukraine crisis and the overthrow of the pro-Moscow government in Kiev, various views on Russia's behavior in the Ukraine crisis is still being presented. This research is intended to investigate why and how the Ukraine crisis continued from 2013 to 2018. Accordingly, Russia's strategy in Ukraine and the reasons behind it, make the main concern of this study which is addressed through ASCOPE model using hybrid warfare. Hence, the main question of the study involves how the Russian Federation used information warfare to influence the civilian population of Ukraine. In response to this question, the authors hypothesize that Russia's main goal concerns gaining the position of a superpower again and change the balance in its favor in competition with the West. As achieving the goal is no longer possible through symmetrical and traditional methods of warfare, Moscow has resorted to the new generation of warfare, i.e., hybrid warfare, using its wide-ranging tools such as cyber-attacks and communicating false news. Employing the ASCOPE model, the researchers have investigated the region, structures, capacities, organizations, individuals and the events of the 2014 crisis in Ukraine. The methods through which the Russia gained control of some regions by attracting parts of the civilian population, are also considered. This descriptive-analytical research is based on collecting data extracted from reliable scientific sources including books, scientific-research articles and Internet sites.

**Keywords:** Hybrid warfare, information warfare, civilian population, ASCOPE method, propaganda.

---

1. Corresponding author: Assistant professor, Researcher of Eurasian, PhD in International Relations, University of Guilan, Iran

2. Master of Passive Defense, Defense Industries Research and Training Institute, Tehran, Iran

## جنگ هیبریدی روسیه در قبال جمهوری اوکراین با تاکید بر راهبرد اطلاعاتی

دانیال رضاپور<sup>۱</sup>

ابوالفضل مجیدی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۳

### چکیده

در شرایطی که نزدیک به شش سال از آغاز بحران اوکراین و سرنگونی دولت طرفدار مسکو در کی‌یف می‌گذرد، طرح دیدگاه‌های متفاوت در خصوص رفتار روسیه در قبال بحران اوکراین همچنان ادامه دارد. هدف این مقاله بررسی چرایی و چگونگی طولانی‌شدن بحران اوکراین از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸ می‌باشد. جهت نیل به مقصود، راهبرد روسیه در اوکراین و چرایی آن، مسئله اصلی است که نوشتار پیش‌رو تلاش می‌کند تا با مدل آسکوپ و با بهره‌گیری از جنگ هیبریدی بدان پردازد. براین اساس سوال اصلی مقاله بدین گونه است که فدراسیون روسیه چگونه از جنگ اطلاعاتی برای نفوذ بر جمعیت غیرنظامی اوکراین استفاده کرده است؟ در پاسخ به این پرسش این فرضیه از سوی نویسندگان مطرح شده که هدف اساسی روسیه بازگشت به جایگاه ابرقدرتی و تغییر موازنه به سود خود در مناسبات با غرب است. چون کسب این هدف، دیگر به شیوه‌های جنگ متقارن و سنتی امکان‌پذیر نیست، مسکو به نسل نوین جنگ‌ها یعنی جنگ هیبریدی و بهره‌گیری از ابزارهای متعدد و متنوع آن همچون حمله‌های سایبری، انتشار اخبار نادرست و جعلی روی آورده است. در این راستا با بهره‌گیری از مدل آسکوپ به بررسی منطقه، ساختارها، ظرفیت‌ها، سازمان‌ها، افراد و رویدادهای بحران اوکراین می‌پردازیم تا از طریق این مدل ضمن تشریح وقایع موجود و دلایل پیش آمده بحران ۲۰۱۴م، روش‌هایی که روسیه به وسیله آن بعضی از مناطق اوکراین را به کنترل خودش درآورد و بخشی از جمعیت غیرنظامی را به سوی خود جلب کرد، متمرکز می‌شویم. روش انجام این پژوهش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر گردآوری داده‌های مستخرج از منابع معتبر علمی شامل کتاب‌ها، مقالات علمی-پژوهشی و سایت‌های اینترنتی می‌باشد.

**کلید واژه‌ها:** جنگ هیبریدی، جنگ اطلاعاتی، جمعیت غیرنظامی، روش آسکوپ، تبلیغات.

Danyalrezapoor@gmail.com

Sam89\_danial@yahoo.com

۱. نویسنده مسئول: استادیار، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۲. کارشناس ارشد، دفاع غیرعامل-موسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاع، تهران، ایران

## مقدمه

مطالعه رفتار سنتی روسیه در منطقه پیرامونی خود (خارج نزدیک<sup>۱</sup>) حاکی از یک پیشینه تاریخی است و آن پیشینه تاریخی دلالت بر تثبیت نفوذ در مناطق یاد شده جهت پیشینه‌سازی ضریب امنیتی خود در برابر قدرت‌های دیگر منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. اگر چه جلوه‌های نفوذ روسیه در این منطقه تا حدودی متفاوت از گذشته است، اما اصل سیاست نفوذ آن کشور همچنان پابرجاست. به باور «فیونا هیل»<sup>۲</sup> اگر چه در گذشته به‌ویژه تا قبل از فروپاشی شوروی، بافت اصلی سیاست نفوذ روسیه در میان جمهوری‌های عضو کشورهای مستقل هم‌سو و نیز سابقاً عضو شوروری در اروپای شرقی، نظامی-امنیتی بوده است، هم‌اکنون جلوه غالب این نفوذ، اقتصادی و جنبه نرم‌افزاری است. «آلکسی آرباتوف»<sup>۳</sup> در این رابطه می‌گوید: براساس باور رایج و گسترده در روسیه، کشورهای خارج نزدیک پوسته خارجی روسیه را تشکیل می‌دهند که وظیفه آن حمایت از هسته-روسیه- در برابر تهدیدات و خطرات خارجی و نیز تضمین ثبات و امنیت آن کشور است ((ماکارچیو<sup>۴</sup>، ۲۰۱۸: ۲-۳)). بدین ترتیب روس‌ها این منطقه را جز منافع خاص خود می‌انگارند و با وجود تحولات فزاینده منطقه‌ای و بین‌المللی در این نگاه تغییری ایجاد نشده و تعبیر مدوودوف از این منطقه به عنوان حوزه «منافع ترجیحی»<sup>۵</sup> روسیه گواه آن است که مسکو هرگونه دست‌اندازی قدرت‌های خارجی به خارج نزدیک را همچنان به دیده تهدید می‌نگرد. روسیه همچنان ادعای برتری و حتی حق تعیین سرنوشت کشورهای حاضر در این حوزه را به مانند دوره اتحاد شوروی حفظ و خود را ضامن ثبات این جغرافیا می‌داند. احیای نفوذ در حوزه خارج نزدیک و گسترش آن به سطح بین‌الملل، حفظ تمامیت ارضی و جلوگیری از بی‌ثباتی در مرزهای روسیه، جلوگیری از تحدید نفوذ راهبردی سایر قدرت‌های فرامنطقه‌ای در این منطقه و حمایت از ۲۵ میلیون روس پراکنده در این منطقه از مهم‌ترین هدف‌های روسیه در این حوزه است (دانش‌نیا و مارابی، ۱۳۹۵: ۷).

## بیان مسئله

جمهوری اوکراین به عنوان یکی از مهم‌ترین کشورهای خارج نزدیک با ۶۰۳/۷۰۰ کیلومتر مربع

1. Near abroad
2. Fiona hill
3. Arbatov
4. Makarychev
5. PREFERENTIAL BENEFITS

### جنگ هیبریدی روسیه در قبال جمهوری اوکراین با تاکید بر راهبرد اطلاعاتی

وسعت بعد از روسیه دومین کشور بزرگ اروپا به شمار می‌رود. طولانی‌ترین فاصله این کشور از غرب به شرق ۱۳۱۶ کیلومتر و از شمال به جنوب ۸۹۳ کیلومتر است. اوکراین از شمال به بلاروس، از شرق و شمال شرقی به روسیه، از جنوب غربی به مجارستان، رومانی و مولداوی و از غرب به لهستان و اسلواکی محدود می‌شود. دریای سیاه و دریای آزوف مرز جنوبی اوکراین را تشکیل می‌دهند. مجموع طول مرزهای اوکراین ۶۵۰۰ کیلومتر است که ۱۵۰۰ کیلومتر آن مرز آبی است (اوکراین فکت بوک<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹). نکته درخور تأمل دیگر این‌که مکیندر اروپای مرکزی و بخصوص جغرافیای اوکراین را «هارتلند یا قلب زمین<sup>۲</sup>» می‌نامد و معتقد است که هر کشگری که این ناحیه را در تصرف داشته باشد بر جهان حکم‌فرمایی خواهد کرد (دانش نیا و مارابی، ۱۳۹۵). اهمیت ژئوپلیتیکی این کشور را بر طبق نقشه زیر می‌توان مشاهده نمود.



نقشه ۱. موقعیت ژئوپلیتیکی اوکراین (مشرق نیوز، ۱۳۹۲).

اوکراین مرز بین کشورهای اروپایی با قاره آسیا از طریق مرزهای جنوبی و شرقی می‌باشد. چنین موقعیت منحصر به فردی از یک طرف و حاصل‌خیزی و قرار گرفتن در کنار راه آبی تجاری دریای سیاه از طرف دیگر به این کشور وضعیت استراتژیکی شایان توجهی داده است. افزون بر این دسترسی از خشکی به اروپای شرقی و دسترسی آبی به دریای سیاه، از مزایای مهم ژئوپلیتیکی کشور اوکراین به

1. Ukraine factbook
2. Heartland or Heart of the Earth

حساب می‌آید. همچنین، اوکراین بخش مهمی از سواحل دریای سیاه و بنادر مهم آن از جمله سواستوپل و اودسا<sup>۱</sup> را در اختیار دارد، بنداری که روسیه در دوره شوروی برای استقرار ناوگان خود در دریای سیاه از آن‌ها بهره می‌گرفت. ساختار اجتماعی اوکراین هم نقش مؤثری در شکل‌بندی‌های ژئوپلیتیکی و راهبردی این کشور در دوران‌های مختلف تاریخی ایفا کرده است. به‌ویژه در نیمه جنوب شرقی، اقلیت چشم‌گیری از مردم اوکراین، روس تباراند و زبان اصلی آن‌ها روسی است. نفوذ روسیه در مراکز صنعتی شرق اوکراین به خصوص شبه جزیره کریمه که در حاشیه دریای سیاه قرار دارد، تحت تاثیر پیوندهای قومی با گروه‌های روس تبار در طول دو دهه گذشته افزایش یافته است. همچنین ناوگان نیروی دریایی روسیه در دریای سیاه و بنادر کریمه مستقر است. با توجه به وضعیت پیش آمده برای کریمه و دنباس، تجربه نشان داده است که نیروهای سیاسی و امنیتی در سال‌های پس از جنگ سرد به کنش راهبردی در مناطقی مبادرت می‌کنند که دارای شکاف‌های ژئوپلیتیکی باشند. به عبارتی دیگر، تضادهای فرهنگی، تاریخی و ژئوپلیتیکی را باید در زمره عواملی دانست که زمینه لازم برای گسترش تضادهای امنیتی- نظامی در اوکراین را امکان‌پذیر کرده است.

بسیاری از نویسندگان شرایط اوکراین را با توجه به وضعیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی‌اش در یک کلمه توصیف می‌کنند: «هرج مرج مطلق<sup>۲</sup>». «اورست سابتنلی» مورخ اوکراینی کانادایی، معتقد بود که تاریخ اوکراین به دو بخش تقسیم شده است: هرج و مرج ناشی از بی‌تابیتی و نوسازی. بی‌تابیتی توسط نویسنده چنین توصیف شده است: «سرخوردگی از تلاش‌های مردم اوکراین برای دستیابی به خودمختاری یکی از جنبه‌های اصلی تجربه تاریخی آن‌ها است. بنابراین، گذشته اوکراین عمدتاً تاریخ ملتی است که بدون ساختار یک کشور کامل باید زنده بماند و تکامل یابد» (سابتنلی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰: ۴۳). همچنین دو نویسنده دیگر معتقدند که «دلیلی که اغلب برای شرایط نامشخص و هرج مرج گونه اوکراین داده می‌شود، بی‌تابیتی کامل این کشور است زیرا در بیشتر تاریخ، اوکراینی‌ها توسط دیگران اداره می‌شدند؛ به عنوان بخش‌هایی از ایالات لهستانی هابسبورگ یا اتحاد جماهیر شوروی؛ از این رو اوکراینی‌ها فرصت کمی برای توسعه یک فرهنگ عالی متمایز، تعریف منافع مشترک خود، توسعه حس هویت ملی یا حتی ترسیم مرزهای خود داشتند» (ولچیک و زویگلیانچ<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰: ۳۲) بنابراین با توجه به تعاریف فوق علاوه بر اینکه جمهوری اوکراین کشوری چند

1. Sevastopol and Odessa
2. Absolute chaos
3. Subtelny
4. Wolchik & Zviglyanich

قومی، چند زبانه و چندفرهنگی است، دارای تاریخی با شکاف عمیق در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و زبانی بین اوکراینی‌ها و روس‌ها می‌باشد که این اختلافات حل نشده در بحران سال ۲۰۱۴ م در اوکراین و با اقدام «ویکتور یانوکویچ»، رئیس جمهور سابق این کشور که از امضای توافق‌نامه همکاری و تجاری آزاد اتحادیه اروپا، با هدف برقراری روابط نزدیک‌تر با روسیه، امتناع کرد، تشدید شد. در ۲۲ فوریه ۲۰۱۴ در پی اعتراضات خیابانی علیه دولت و وخیم شدن اوضاع داخلی اوکراین با رای مجلس اوکراین، «یانوکویچ» از سمت رئیس‌جمهوری برکنار شد. در پی این حوادث «شبه جزیره کریمه» توسط نیروهای روسی تحت عنوان محافظت از روس تبارهای این ایالت خودمختار اشغال شد. چند روز بعد از این اتفاقات، مردم شبه جزیره کریمه در برگزاری همه پرسی سراسری، موافقت ۹۶ درصدی خود را با پیوستن به کشور روسیه اعلام کردند و این شبه جزیره رسماً جزئی از خاک روسیه شد.

عکس‌العمل «پوتین» به سقوط ویکتور یانوکویچ<sup>۱</sup>، اشغال نظامی کریمه، شبه جزیره‌ای که می‌ترسید پایگاه ناوگان دریایی ناتو شود تا اینکه اوکراین را وادار کند دست از تلاش‌های خود برای پیوستن به غرب بردارد و ادامه درگیری‌ها در دریای آزوف<sup>۲</sup> باعث شده است که این نوشتار با الهام از نظریات جنگ‌های جدید مخصوصاً جنگ هیبریدی به منازعه میان روسیه و اوکراین پردازد. در مورد جنگ‌های جدید باید اذعان کرد که تئوری‌های مختلفی بین تحلیل‌گران و مکاتب نظامی در مورد چگونگی جنگ‌های جدید وجود دارد. یک از این مکاتب، جنگ‌های جدید را به عنوان بخشی از فرایند جهانی شدن تلقی می‌کنند، اما سایر نویسندگان معتقدند که جنگ‌های معاصر در افغانستان و عراق نمایانگر «نسل چهارم» جنگ است که شورشیان تلاش می‌کنند از طریق حامی پروری، اراده سیاسی لازم برای نبرد علیه این گروه‌ها را از بین ببرند. علی‌رغم تمام این استدلال‌ها، تحلیل‌گران دیگری وجود دارند که فکر می‌کنند جنگ هیبریدی جنگ آینده است. «جنگ ترکیبی یا هیبریدی» با تلفیق جنگ‌های متعارف و نامنظم، از آسیب‌پذیری‌های بالقوه حریف سوء استفاده می‌کند و حتی به دنبال دست‌یابی حمایت از جمعیت غیرنظامی در یک منطقه خاص است تا از حداکثر موفقیت با کمترین هزینه بهره‌بردارد. بنابراین جنگ هیبریدی<sup>۳</sup> یا «جنگ ترکیبی» به راهبرد نظامی پیچیده‌ای اطلاق می‌شود که ترکیبی از نبردهای متعارف، نامتعارف، سایبری، روانی و اطلاعاتی را در خود جای می‌دهد. در این نوع جنگ‌ها که بیشتر توسط دولت‌ها صورت می‌گیرد، شاهد به کارگیری ترکیبی قابلیت‌های یک کشور اعم از قابلیت‌های نظامی متعارف، انواع جنگ‌افزارها، انواع نیروها، انواع تاکتیک‌ها و انواع

1. Viktor Yanukovich  
2. Sea of Azov  
3. Hybrid War

شیوه‌ها هستیم که شامل دیپلماسی، جنگ اطلاعاتی، حمایت از شورش‌های داخلی یا محلی، استفاده از نیروهای نامنظم و چریکی، استفاده از نیروهای نظامی ویژه و جنگ اقتصادی و حملات سایبری می‌شود.

در دوران جنگ هیبریدی، بیشترین توجه معطوف به «جنگ اطلاعاتی»<sup>۱</sup> است که در جنگ الکترونیکی، حملات سایبری، فریب و عملیات روانی تحقق می‌یابد. بنابراین بسیاری از محققان و اندیشمندان نظامی بحث‌های زیادی راجع به اینکه جنگ اطلاعاتی روسیه «روشی جدید جنگی» است، متمرکز شده‌اند، حتی جنبه خاصی از راهبرد روسیه این است که «اکنون اطلاعات در اولویت فعالیت‌ها است، در حالی که نیروهای نظامی متعارف نقش مکمل را ایفا می‌کنند» (NATO StatCom COE, 2015). اگر ۱۵ سال به عقب برگردیم، «فعالیت‌های اطلاعاتی چه در بعد تکنیکی و چه در بعد روانی» یکی از تهدیدهای امنیتی برای روسیه برشمرده شده است. در دکتترین نظامی سال ۲۰۰۰ میلادی آمده جنگ‌های نو شامل «رویارویی فعال اطلاعاتی و گمراه سازی افکار عمومی در یک کشور خاص و در عرصه جهانی» است. همین تأکید به گونه‌ای دیگر در دکتترین نظامی سال ۲۰۱۰ آمده و به دو هدف جنگ اطلاعاتی اشاره شده است: ابتدا دست یافتن به اهداف سیاسی بدون بکارگیری نیروهای نظامی، و سپس اگر به تنهایی جواب نداد، دست کم آماده کردن فضای جامعه جهانی و افکار عمومی برای بکارگیری نیروی نظامی در راستای اهداف مشخص به گونه‌ای که با واکنش منفی رقبای بین‌المللی مواجه نشود.

در دکتترین نظامی ۲۰۱۴ رویکرد روسیه به جنگ اطلاعاتی هر چه بیشتر به ابعاد رسانه‌ای و فرهنگی آن نزدیک شده است. در میان تهدیدهای امنیتی، به رقابت‌های سیاسی داخلی توجه بیشتری معطوف شده و از «ایجاد بی‌ثباتی در فضای سیاسی و اجتماعی ملت» و فعالیت‌های مرتبط با تولید و نشر اطلاعات با هدف تضعیف سنت‌های تاریخی، معنوی و میهن پرستانه مردم به ویژه جوانان روسیه در دفاع از سرزمین پدری به عنوان دو تهدید داخلی علیه امنیت کشور یاد شده است. ماهیت این جنگ نرم، بسیار پیچیده معرفی شده، زیرا هم از سوی سازمان‌های مدنی داخلی و هم از سوی برخی نهادهای خارجی بکار گرفته می‌شود. در سند ۲۰۱۴، در میان تهدیدهای خارجی دوباره به جنگ اطلاعاتی برمی‌خوریم: «استفاده از اطلاعات و فناوری‌های ارتباطاتی در راستای اهداف سیاسی - نظامی شامل اقداماتی برخلاف قوانین بین‌المللی و حاکمیت، استقلال سیاسی و یکپارچگی سرزمینی دولت‌ها که در نتیجه صلح و امنیت بین‌المللی و ثبات منطقه‌ای و جهانی در معرض تهدید قرار می‌گیرد».

## 1. Information warfare

توجه به جنگ اطلاعاتی در داخل، بی دلیل نبود. پوتین در اعتراضات خیابانی علیه خود در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲، اثرگذاری شبکه‌های اجتماعی و اینترنتی را چشیده بود. کمی بعد، شبکه دولتی روسیه به پخش برنامه‌های اقدام کرد که در آن، امریکا را محرک ناآرامی در روسیه معرفی می‌کرد. در همین راستا بود که در مه ۲۰۱۵ میلادی، دولت روسیه فعالیت سازمان‌های خارجی نامطلوب را در روسیه ممنوع کرد، کما اینکه وزارت ارتباطات روسیه این حق را دارد که سایت‌های افراطی را ببندد. حتی «جنی یانگ» کارشناس ناتو، پوتین را متهم کرده که در دپارتمان سیاست داخلی نهاد ریاست جمهوری روسیه، عده‌ای مزدبگیر را جمع کرده تا با حساب‌های کاربری جعلی، در سایت‌ها و وبلاگ‌ها به نشر اخبار و دیدگاه‌های مورد نظر دولت پردازند (رند، ۲۰۱۸: ۹۶).

بنابراین، فضای اصلی نبرد از دیدگاه روسیه، در ذهن مردم است و ضرورت قدرت نظامی سخت به حداقل می‌رسد. در همین راستا برای ایجاد محیط مناسب برای فدراسیون روسیه، دستگاه تبلیغاتی کرملین دو رویکرد را دنبال می‌کند: «برای بیگانگان و برای جمعیت روسیه». اولی برای تبلیغ این عقیده استفاده می‌شود که روسیه از کشورهای غربی بدتر نیست و همچنین این تصور را آماده می‌کند که روسیه برای جنگ آماده است. رویکرد دوم، در تلاش است که ایالات متحده را مسئول تمام مشکلات داخلی بداند و پوتین به عنوان تنها رهبر ممکن قادر به رهبری روسیه در برابر این تهدید معرفی شود. همچنین محور اصلی فعالیت مسکو، روس‌های ساکن در خارج نزدیک هستند که به حمایت از «مادرشان» (روسیه) احتیاج دارند. «راد تورنتون» اهداف فعالیت‌های اطلاعاتی روسیه را مشخص کرد: «تحریک هموطنان روسی به وفاداری نرم به روسیه از طریق تأکید بر پیوندهای فرهنگی، زبانی و ایدئولوژیک و ایجاد ترس در میان گروه‌های روس زبان در خارج نزدیک می‌باشد و با تأثیر بسیار زیاد بر افکار این گروه‌ها، به عنوان ماشین تبلیغاتی روسیه تبدیل می‌شوند و سرانجام غیر روس‌ها را متقاعد می‌کنند که همان افکار را اتخاذ کنند» (تورنتون، ۲۰۱۵: ۴۳).

در مورد بحران اوکراین «تئودر یانگ» در نوشتار سه قسمتی خود، شرحی از روش‌های جنگ اطلاعاتی روسیه در منازعه بر سر اوکراین را ارائه کرده و مدعی شده که این چیزی بسیار فراتر از جنگ اطلاعاتی میان دو قطب شرق و غرب با ابزارهای دوره جنگ سرد بود. وی به عنوان کارشناس ناتو، روسیه را متهم کرده است که در یک رویکرد «نسبی و پست مدرن»، به جای اینکه صرفاً اطلاعات غلط را وارد فضای ارتباطات کند، «جبهه مخالف را دائماً سردرگم نگه می‌دارد و بخاطر تغییر روش و

1. Rand  
2. Thornton



تغییر شکل‌های مکرر، غیرقابل شناخت و در نتیجه ایستادگی ناپذیر» می‌شود. یعنی واقعیت را نسبی دانسته و از زاویه نگاه خود شکل می‌دهد. به قول مایکل ویز، سرویراستار Interpreter، «روسیه نه تنها جنگ واقعی خود را به جنگ نرم تبدیل کرده، بلکه به جنگ اطلاعاتی خود نیز ماهیتی نرم داده است». دیگر هدف، اطلاع‌رسانی در مورد واقعیت یا اقتناع نیست، بلکه هدف این است که روایتی جایگزین روایت غربی به مخاطب ارائه شود تا سرش به شبکه‌های خودی گرم شود و حتی تا حدودی گیج شود. وی در قسمت دوم از نوشتار خود، مدعی شده است پوتین ۴ هزار روزنامه‌نگار، ویراستار و فعال تلویزیونی را مورد حمایت قرار می‌دهد و از طریق آنها تسلط روسیه بر فضای اطلاعات و ارتباطات را ایجاد کرده است، به گونه‌ای که ۶۰٪ از کتاب‌های به فروش رفته در اوکراین به زبان روسی نگاشته شده و در برابر هر ۷ وب‌سایت اوکراینی، ۱۰ وب‌سایت روسی قرار دارد. با همین مدیریت، تظاهرات گسترده‌ای در سال ۲۰۰۶ میلادی در اوکراین شکل گرفت که مانع برگزاری مانور مشترک دریایی با آمریکا شد. طبیعی بود که در سال ۲۰۱۰ میلادی، پارلمان این کشور به عضویت در ناتو رأی منفی داد. روسیه از همه ابزارهای خود برای جنگ سرد سود می‌برد: جمع‌آوری و نشر اطلاعات، برقراری ارتباط‌های مؤثر و نفوذ آفرین، تأسیس پایگاه‌های خبرپراکنی و رسانه‌های فعال، حمایت مالی از پروژه‌های فرهنگی و آموزشی، پشتیبانی همه‌جوره از سازمان‌های مردم‌نهاد غیردولتی که طرفدار حکومتند و هرگونه اقدامی تحت عنوان کلی «دیپلماسی» که دست بالا را برای روسیه فراهم کند. یانگ روسیه را متهم کرده که در رسانه‌های دولتی و شبه‌دولتی خود در جریان منازعه بر سر اوکراین، تصاویر و فیلم‌های دست‌کاری شده از کوزوو، چین و حتی سوریه را به عنوان فیلم‌ها و تصاویر از شرق اوکراین ارائه می‌داد تا مردم را علیه حضور نیروهای دولت کی‌یف در استان‌های شرقی تحریک کند. این اخبار که ترکیبی از دروغ و واقعیت بود، آن قدر منتشر می‌شد تا اوکراینی‌ها را نسبت به دولت خود بی‌اعتماد کند. در همین راستا، «جیمز آپاتورا» دستیار دبیر کل ناتو در امور سیاسی، روسیه را متهم کرد که «اخبار را مسلح کرده است». البته این کارشناس ناتو نگفته که رسانه‌های غربی نیز در بزرگ کردن واقعیت ید طولایی دارند. کاش شرح می‌داد که این رسانه‌ها چگونه از اطلاع‌رسانی برای مقاصد سیاسی و نظامی خود استفاده کرده و راه را برای حضور فرهنگی و اقتصادی خود فراهم می‌کنند. همین اخیراً دولت‌های فنلاند و حوزه بالتیک نامه‌ای را به کمیسیون اروپا فرستادند و در آن خواهان تأسیس یک شبکه روسی توسط بنگاه‌های خبرپراکنی غربی برای مردم این منطقه شدند (Nato council, 2016).

## سوال و فرضیه تحقیق

با بیان این مقدمه، سوال اصلی نوشتار این گونه مطرح می‌شود که: چگونه فدراسیون روسیه از جنگ اطلاعاتی برای نفوذ بر جمعیت غیرنظامی اوکراین استفاده می‌کند؟ در پاسخ به این پرسش این فرضیه از سوی نویسنده مطرح شده که هدف اساسی روسیه بازگشت به جایگاه ابرقدرتی و تغییر موازنه به سود خود در مناسبات با غرب است. چون کسب این هدف، دیگر به شیوه‌های جنگ متقارن و سنتی امکان‌پذیر نیست، مسکو به نسل نوین جنگ‌ها یعنی جنگ هیبریدی و بهره‌گیری از ابزارهای متعدد و متنوع آن همچون حمله‌های سایبری، انتشار اخبار نادرست و جعلی روی آورده است. در این راستا با بهره‌گیری از مدل آسکوپ<sup>۱</sup> به بررسی منطقه، ساختارها، ظرفیت‌ها، سازمان‌ها، افراد و رویدادهای بحران اوکراین می‌پردازیم تا از طریق این مدل ضمن تشریح وقایع موجود و دلایل پیش آمده بحران ۲۰۱۴م، روش‌هایی که روسیه به وسیله آن بعضی از مناطق اوکراین را به کنترل خودش درآورد و بخشی از جمعیت غیرنظامی را به سوی خود جلب کرد، متمرکز می‌شویم.

## روش و پیشینه پژوهش

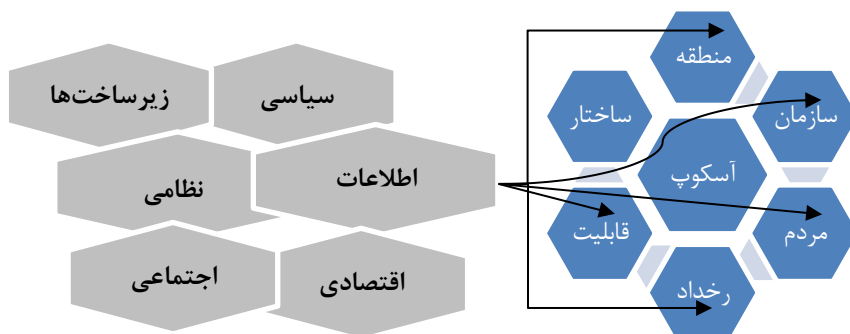
روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی با کمک از مدل آسکوپ است که در جمع‌آوری اطلاعات از منابع اسنادی-کتابخانه‌ای و تارنماهای معتبر فضای مجازی استفاده شده است. در پیشینه پژوهش، مطالعاتی در ارتباط با روابط روسیه، اوکراین صورت گرفته است که می‌توان آن‌ها را به این شکل دسته‌بندی کرد:

الف) پژوهش‌های که روابط سیاسی و اقتصادی روسیه با اوکراین را بررسی می‌کنند  
(Subtelny, 2000: Pomerantsev, P., & Weiss: 2014: Makarychev, 2018)

ب) مطالعات متکثری که به بررسی ابعاد بین‌المللی بحران اوکراین می‌پردازند  
(Lysenko, Desouza, 2004: Dyczok, 2013: Darczewska, 2014: Russell, 2016: Bazaluk, 2016)

از بین این آثار، مقالات آخر بیشترین شباهت را با این نوشتار دارد. با این تفاوت که در این نوشتار با رویکرد جنگ هیبریدی و با کمک از مدل آسکوپ به زمینه‌های ژئوپلیتیکی ایجاد رقابت و اختلاف بین روسیه و اوکراین هم پرداخته است؛ سایر آثار نیز روابط روسیه، اوکراین و ناتو را در یک کل منسجم مانند تقابل و تعامل چندجانبه این بازیگران با روسیه بررسی نکرده‌اند. این هدفی است که نوشتار با استفاده از مدل آسکوپ دنبال می‌کند. به عبارتی هدف این مقاله گسترش محدوده این بحث

در مورد ریشه‌های تخاصم در بحران اوکراین می‌باشد و تمرکز صرف بر این که تا چه حد اتحادیه اروپا، روسیه و اوکراین مسئول این بحران هستند، منسوخ شده است؛ بنابراین این پژوهش پس از بررسی مفهوم جنگ هیبریدی، به تحلیل آسکوپ و راهبرد اطلاع رسانی - تبلیغاتی روسیه در چارچوب ساختار نظامی - امنیتی خارج نزدیک تا سال ۲۰۱۹ اختصاص می‌یابد.



شکل ۱. ارتباط مدل آسکوپ و پمسی در پژوهش حاضر

### ادبیات و مبانی نظری تحقیق (جنگ هیبریدی)

جنگ هیبریدی طی سال‌های اخیر، شدت مورد توجه سیاست‌مداران و پژوهش‌گران قرار گرفته است. این نوع جنگ به حدی اهمیت دارد که موجب عبور جنگ از نسل چهارم به نسل پنجم شده است. به رغم اهمیت جنگ هیبریدی، هنوز وجوه آن بطور کامل تبیین نشده و نظریه پردازی در باب آن با قوت ادامه دارد. یکی از رایج‌ترین تعریف‌ها درباره جنگ هیبریدی توسط «فرانک هافمن»<sup>۱</sup> مطرح شده است: «جنگ هیبریدی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن دشمن به طور همزمان و هماهنگ از سلاح‌های متعارف، تاکتیک‌های نامنظم، تروریسم و رفتار جنایی در فضای نبرد برای به دست آوردن اهداف سیاسی خود استفاده می‌کند». جنگ هیبریدی از گونه جنگ‌های غیرمستقیم است که برخلاف جنگ‌های کلاسیک، زمان شروع و گسترده آن، مشخص نیست. به این دلیل جنگ هیبریدی را منطقه خاکستری بین جنگ و صلح تعبیر کرده‌اند. به طور خلاصه جنگ هیبریدی نوعی از جنگ است که در آن یکی از طرف‌های درگیر ساختار نیروهای خود را به نوعی بهینه کرده که از ترکیب تمام منابع موجود - هم متداول و هم غیر متداول - در یک زمینه و بستر فرهنگی منحصر به فرد

1. Frank Hoffman

استفاده کند تا اثرات خاص و هم افزایی در برابر یک رقیب متداول ایجاد کند (چمبرس<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶: ۴). جنگ در هر مرحله‌ای از تاریخ شکل خاصی به خود می‌گیرد. این تصور که جنگ صرفاً رویارویی خشونت‌بار نیروهای نظامی است، برداشتی کلاسیک از جنگ است و درگیری مستقیم فیزیکی امروزه تنها یکی از گونه‌های جنگ محسوب می‌شود. به تبع تحولات جدید، تعریف جنگ نیز مانند سایر مفاهیم متحول شده است. جنگ نرم، براساس آموزه‌های کلاسیک جنگ، سازه‌ای متناقض ناست اما امروزه واقعیتی امکان‌ناپذیر است. جنگ هیبریدی اصطلاح جدیدی است که نخستین بار توسط «ویلیام نمث<sup>۲</sup>» در سال ۲۰۰۲ برای توصیف شیوه جنگیدن چینی‌ها به کار گرفته شد. اما با این وصف، شیوه هیبریدی نبرد در طول تاریخ وجود داشته و سابقه آن حداقل به جنگ پلوپونز در قرن پنجم قبل از میلاد بین آتن و اسپارت باز می‌گردد. همچنین «مک کالوه» با تحلیل عمیق جنگ‌های بین رژیم صهیونیستی با غزه و حزب الله لبنان و شش اصل برای جنگ‌های هیبریدی استخراج کرده که مورد پذیرش بسیاری از استراتژیست‌ها و نویسندگان قرار گرفته است. این اصول عبارتند از:

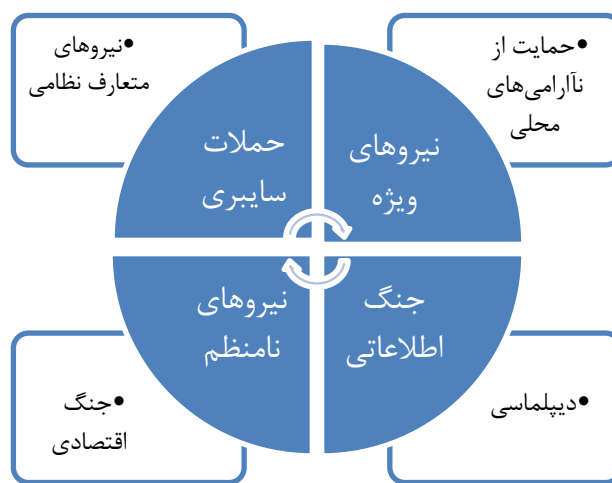
- ۱- ترکیب، قابلیت‌ها و تأثیرات یک نیروی هیبریدی، در محیط پیرامون آن، بی‌همتا هستند.
  - ۲- هر نیروی هیبریدی یک ایدئولوژی منحصر به فرد دارد که منجر به ایجاد نوعی روایت درونی برای سازمان می‌شود.
  - ۳- یک نیروی هیبریدی همواره متوجه تهدیدی نسبت به بقای خودش است.
  - ۴- در جنگ هیبریدی نوعی برتری قابلیت‌های میان طرفین جنگ وجود دارد.
  - ۵- یک نیروی هیبریدی هم اجزاء متداول و هم اجزاء غیرمتداول را شامل می‌شود.
  - ۶- نیروهای هیبریدی به دنبال استفاده از عملیات دفاعی هستند (لویلاس<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶: ۵۴).
- در برخی منابع اصلی دیگری نیز اضافه شده که براساس آن، سازمان‌های هیبریدی از تاکتیک‌های استفاده می‌کنند که فرسودگی دشمن را به دنبال داشته باشد.

بخش بسیار زیادی از متون مربوط به جنگ هیبریدی به روش نبرد روسیه در زمان الحاق شبه جزیره کریمه در سال ۲۰۱۴ و نبرد در شرق اوکراین متمرکز شده است. جنگ هیبریدی که تا پیش از نبرد شرق اوکراین، بیشتر یک اصلاح آکادمیک بود در این جنگ عینیت یافت و این مفهوم وارد ادبیات سیاسی و نظامی بین‌المللی شد. در حالی که روسیه حضور در این منازعه را انکار می‌کرد، نیروهای مسلح نامنظم، پروپاگاندا گسترده، ایجاد ناآرامی در مناطق مختلف اوکراین، استقرار نیروهای نظامی

---

1. Chambers
2. William Nemeth
3. Lovelace

متعارف در مرزهای اوکراین و کارزار گسترده دیپلماتیک در عرصه بین‌المللی برای توجیه روایت روسی از بحران اوکراین، عناصر جنگ هیبریدی آن را تشکیل می‌دادند که این پژوهش با روش آسکوپ به دنبال تشریح کامل این جنگ می‌باشد. جنگ هیبریدی پس از بحران اوکراین در دستور کار بسیاری از سازمان‌ها، نهادها و کنفرانس‌ها قرار گرفت. در کنفرانس امنیتی مونیخ، این موضوع مورد توجه جدی قرار گرفت و در گزارش سال ۲۰۱۵ این نهاد، هشت مولفه برای جنگ هیبریدی مشخص شده که در شکل زیر نشان داده شده است.



شکل ۲- مولفه‌های جنگ هیبریدی (Munich Security Report , 2015: 35)

### تحلیل آسکوپ (ASCOPE) و راهبرد اطلاع رسانی - تبلیغاتی روسیه

ساختارهای نظامی در عملیات فعلی (نامنظم، ترکیبی) روش‌ها، مکانیسم‌ها یا الگوهای مختلفی را در فرایند تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی مأموریت‌ها اجرا می‌کنند. بنابراین برای تهیه یک چارچوب تحلیلی از پمسی<sup>۱</sup> «سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، اطلاعات، زیرساخت‌ها، محیط فیزیکی و زمان» و یا برای درک گسترده‌تری از فعالیت‌های نظامی رهبران از مدل آسکوپ «منطقه، ساختارها، قابلیت‌ها، سازمان‌ها، مردم و رویدادها» استفاده می‌کنند. اگر این مدل به دلایلی به مانند گستردگی موضوع و یا پیچیده بودن عملیات، قابل طرح‌ریزی نباشد، برنامه‌ریزان از مدل پمسی - آسکوپ استفاده می‌کنند. ماتریسی که با استفاده از آن هر زمینه از تجزیه و تحلیل این مدل در شش حوزه عملیاتی قرار

1. PMESII-Pt

می‌گیرد: سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، زیرساخت‌ها و اطلاعات. با این وجود تجزیه تحلیل تمام جوانب مدل پمسی و آسکوپ در بحران اوکراین با توجه به محدودیت کلمات امکان‌پذیر نیست بنابراین تمرکز این پژوهش بیشتر در حوزه اطلاعات پمسی در مدل آسکوپ محدود خواهد بود.

#### ۱- مناطق:

با توجه به بحران میان اوکراین و روسیه، الگویی بین زبان مادری، تقسیم زبانی، مذهب و ترجیحات سیاسی وجود دارد. اوکراین به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود؛ که عمدتاً از آن به عنوان «دوگانگی شرق و غرب»<sup>۱</sup> یاد می‌شود؛

۱- در غرب و مرکز. از نظر زبان، اوکراینی به عنوان زبان رسمی این منطقه می‌باشد و کلیسای ارتدکس اوکراین به کلیسای ارتدکس کیف وابستگی دارد و هدف این مناطق پیوستن به اتحادیه اروپا و ناتو می‌باشد.

۲- در شرق، مرکز و جنوب. اکثریت قابل توجهی از قومیت‌های روسی، که عمدتاً به زبان روسی صحبت می‌کنند، با اعتقاد به کلیسای ارتدکس اوکراین از کلیسای مسکو، بدنبال تقویت روابط با روسیه هستند. طبق قانون اساسی، اوکراین از ۲۴ منطقه، دو شهر با وضعیت ویژه (کیف و سواستوپل) و جمهوری خودمختار کریمه تشکیل شده است. از نظر جغرافیایی، اوکراین از مناطق (منطقه و بخش‌ها) و اماکنی مانند (شهرها و روستاها) تقسیم می‌شود. اگرچه تا ابتدای سال ۲۰۱۴ جمعیت آن حدود ۴۵ میلیون نفر بود، اما فقط ۵ شهر جمعیت آن‌ها بیش از یک میلیون نفر بوده است (هاب<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴: ۲).

شبه جزیره کریمه از مناطق ویژه این کشور بود، به طوری که پس از آنکه اوکراین در سال ۱۹۹۱ استقلال خود را بدست آورد، کریمه به عنوان جمهوری خودمختار اعلام شد و سواستوپل وضعیت ویژه‌ای را در اوکراین حفظ کرد. در سال ۱۹۹۷، اوکراین دو معاهده دوستی امضا کرد که به روسیه به منظور بازپرداخت بدهی‌های نفتی اجازه داد ناوگان خود را در کریمه مستقر کند که دفتر مرکزی آن در سواستوپل بود. همچنین با توجه به حوادث یورومیدان و ورود ارتش روسیه به کریمه با برگزاری فراندوم در ۱۶ مارس ۲۰۱۴ این شبه جزیره به طور رسمی بخشی از خاک روسیه شد. وقایع شبه جزیره کریمه، مهمترین عامل تقابل روسیه و غرب در ماجرای اوکراین را فراهم کرد. درگیری‌ها در کریمه از ۲۳ فوریه و با تظاهرات طرفداران روسیه آغاز شد. از ۲۶ فوریه، نیروهای روس گرا به سرعت اقدام به تصرف مواضع راهبردی و زیرساخت‌های کریمه کردند. بعد از الحاق کریمه به خاک روسیه، تنش‌ها

1. The dichotomy of East and West

2. Haub

در شرق اوکراین و در مناطق دونتسک، لوهانسک و خارکیف<sup>۱</sup> شروع شد، که در نهایت به تسخیر ساختمان‌های دولتی توسط مخالفان در مناطق دونتسک و لوهانسک انجامید. دولت اوکراین با تروریست خواندن گروه‌هایی که ساختمان‌های دولتی را تسخیر کرده‌اند، به عملیاتی نظامی برای پایان دادن به اقدامات و تحرکات آنها دست زد. به دنبال این وقایع انتخابات ریاست جمهوری در تاریخ ۲۵ مه ۲۰۱۴ در مناطق تحت کنترل دولت اوکراین برگزار شد و «پترو پروشنکو»<sup>۲</sup> ۴۸ ساله تاجر و میلیاردر اوکراینی با کسب اکثریت آرا در دور اول انتخابات پیروز شد. استقلال طلبان طرفدار روسیه روز بعد از انتخابات به فرودگاه استان دونتسک واقع در شرق اوکراین یورش برده و آن را به تصرف کامل خود درآوردند. این در حالی است که برگزارکنندگان و حامیان غربی انتخابات انتظار داشتند اعلام نتایج باعث تخفیف ناآرامی‌هایی شود که بیش از ۶۶ ماه به طول کشیده بود. اما در نتیجه تشدید درگیری‌ها، صدها نفر کشته شدند؛ شهر اسلویانسک<sup>۳</sup> مرکز اصلی جدایی طلبان و چند شهر و روستای کوچک دیگر به دست دولت اوکراین افتاد؛ دو هواپیمای نظامی اوکراینی از سوی جدایی طلبان هدف قرار گرفتند و در نهایت نیز هواپیمای بوئینگ ۷۷۷ خطوط هوایی مالزی با حدود ۳۱۱ مسافر در فضای هوایی منطقه تحت کنترل جدایی طلبان به وسیله موشکی که هنوز مشخص نیست به دستور چه کسی و از سوی کدام یک از طرفین درگیری پرتاب شده، مورد هدف قرار گرفت و تمامی سرنشینان آن کشته شدند (ماتتوا، ۲۰۱۸: ۴-۵). و این بحران همچنان با فراز و نشیب‌های تا سال ۲۰۲۰ در حال جریان می‌باشد.



نقشه ۲. عملیات جنگی روسیه در منطقه کریمه (WordPress, 2014)

1. Donetsk, Luhansk and Kharkiv
2. Petro Proshenko
3. Slovensk
4. Matveea

منطقه مهم دیگر دونباس است که از مناطق دونتسک و لوهانسک در شرق اوکراین تشکیل شده است. تظاهرات جدایی طلبان طرفدار روس در دونباس با هدف اعلام استقلال از اوکراین، اندکی پس از الحاق کریمه به درگیری مسلحانه بین دولت اوکراین و جدایی طلبان جمهوری خودخوانده لوهانسک و دونتسک تبدیل شد. در سپتامبر ۲۰۱۴ نمایندگان اوکراین، روسیه، جمهوری مردمی دونتسک و لوهانسک<sup>۱</sup> توافق نامه‌ای را برای متوقف کردن جنگ در منطقه دونباس، با رعایت پروتکل مینسک امضا کردند که با شکست مواجه شد و در سال ۲۰۱۵ با یک بسته جدید از اقدامات، اجلاس سران در مینسک ادامه دار شد. اوکراین توافق مینسک را ابزاری برای اعاده حاکمیتش بر مناطق دونتسک و لوهانسک قلمداد می‌کند که در حال حاضر در اختیار روسیه است. تفسیر اوکراین از توافق مینسک مستلزم اقداماتی همچون آتش بس، خروج نیروهای روسیه از شرق اوکراین، کنترل اوکراین بر مرز مشترک با روسیه، برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه در منطقه یادشده و نهایتاً انتقال قدرت به این منطقه بر اساس برنامه تمرکززدایی سال ۲۰۱۴ است. در نتیجه اوکراین قادر خواهد بود گزینه‌های سیاست داخلی و خارجی خود را به پیش ببرد. این امر چیزی است که روسیه آمادگی پذیرش آن را ندارد. در مقابل، روسیه توافق مینسک را ابزاری برای تجزیه حاکمیت اوکراین قلمداد می‌کند. روسیه بر این باور است که انتخابات در منطقه دونباس باید قبل از به دست گیری کنترل این منطقه و کنترل بر مرز بین‌المللی توسط اوکراین برگزار شود. به باور کارشناسان این امر موجب خودمختاری جامع نیروهای طرفدار روسیه در شرق اوکراین شده و قدرت مرکزی مستقر در کیف را فلج خواهد کرد. در این سناریو اوکراین قادر نخواهد بود حکمرانی مؤثری داشته باشد یا سیاست خارجی‌اش را با غرب همسو سازد. پوتین درصدد است تا نظم را به این قلمرو جدایی طلب برگرداند و حداقل نیمی از عملکرد یک جمهوری زیر مجموعه روسیه را داشته باشد. این بدان خاطر نیست که پوتین نگران رفاه مردم آن جا است، بلکه به این خاطر است که شرق روسیه وسیله‌ی برای مسکو به منظور ایجاد ناآرامی در سایر مناطق اوکراین است. و همچنین به این خاطر که اگر شرایط در طولانی مدت نسبت به غرب بدتر شود، مردم شرق احتمالاً به سمت اوکراین کشیده خواهند شد. حتی اکنون ۶۳ درصد از افراد مقیم در جمهوری خلق دونتسک از پیوستن دوباره منطقه‌شان به اوکراین حمایت می‌کنند. روسیه همین کار را با شبه جزیره کریمه انجام داد. مردم آنجا نیز برای مسکو اهمیتی نداشتند و تنها به دنبال منافع راهبردی خودش بود. برای روسیه کریمه نقش یک پست نظامی برای مقابله با غرب را دارد و منطقه دونباس اوکراین نیز ابزاری برای باج گرفتن از حکومت کیف است.

1. DPR, LPR





نقشه ۳: وضعیت ژئوپلیتیکی دنباس بعد منازعه ۲۰۱۴م

بنابراین اوکراین از ابتدای استقلال خود در سال ۱۹۹۱ با چالش بزرگی در تلاش خود برای ایجاد هویت ملی و متحد کردن این کشور به رغم مناطق مختلف قومی روبرو بوده است. حوادث اخیر نشان داد که این تقسیم بین غرب و شرق می‌تواند بی‌ثبات‌سازی بیشتری را به همراه داشته باشد. در نتیجه، منطقه در تجزیه و تحلیل اهداف جنگی روسیه بسیار مهم است؛ اولاً به این دلیل که خود اوکراین بین اتحادیه اروپا/ ناتو و فدراسیون روسیه قرار دارد و این پیامدهای مستقیمی در ثبات این کشور دارد. ثانیاً، وجود دو گروه رقیب با زبان، فرهنگ، عقاید و آرمان‌های مختلف که شاید مانع توسعه کشور شود، فدراسیون روسیه از وضعیت اوکراین استفاده می‌کند و از طریق جمعیت خود از این منطقه بهره‌برداری می‌کند.

## ۲- ساختار:

با توجه به جنگ اطلاعاتی که در اوکراین رخ می‌دهد، ساختار رسانه‌ای این کشور مورد توجه ویژه قرار گرفته است. در این زمینه، دو رویکرد اصلی باید در نظر گرفته شود: اولاً، چگونه سیستم رسانه‌ای در اوکراین کار می‌کند و پرکاربردترین رسانه برای پیگیری وقایع، ساختار مالکیت، قوانین مربوط به رسانه‌های جمعی و نحوه استفاده آنها چگونه است و چه کسی وظیفه کنترل این قوانین را دارد. ثانیاً، چگونه روسیه در این سیستم اطلاعاتی دخالت می‌کند: مداخلات روسیه در بخش رسانه، مسئله زبان و همچنین اقدامات متقابل اتخاذ شده علیه نفوذ روسیه در بخش رسانه باید بررسی شود. در اوکراین، رسانه اصلی تلویزیون است. براساس نظرسنجی انجام شده در مارس ۲۰۱۶ در کیف توسط یک

اندیشکده اوکراینی موسسه گورشنی<sup>۱</sup>، ۸۸ درصد از مردم اوکراین عمدتاً از تلویزیون استفاده می‌کنند تا از امور جاری مطلع شوند (پورژن، ۲۰۱۶)<sup>۲</sup> یکی از مشکلات جدی عدم اطمینان به کانال‌های خصوصی این است که این کانال‌ها توسط الیگارش‌هایی برای منافع تجاری و سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد و مردم اوکراین نمی‌دانند صاحبان کانال‌های تلویزیونی چه کسانی هستند و علاقه کمی به دسترسی به چنین اطلاعاتی نشان می‌دهند. رسانه‌های آنلاین هم اخیراً با توجه به این واقعیت که تا به امروز به صورت رایگان اطلاعات را در اختیار کاربران قرار می‌دهند، از اهمیت زیادی برخوردار هستند. اما اینترنت و رسانه‌های اجتماعی فضای مناسبی برای انتشار عکس‌ها، فیلم‌ها و گزارش‌های جعلی بی‌حد و حصر بوده‌اند. همچنین به دلیل بحران اقتصادی، فقط ۱۲/۵ درصد از شهروندان اوکراینی از روزنامه‌ها استفاده می‌کنند که نسخه‌های آنلاین فروش بیشتری دارند زیرا امروزه بازار روزنامه‌های اوکراین با دو مشکل روبرو است: توزیع کند روزنامه‌ها از طریق سرویس پستی و هزینه بالای کاغذ مورد نیاز روزنامه‌ها، که از لهستان و روسیه وارد می‌شود.

در اوکراین، حمایت رسانه‌های روسیه در انتخابات سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۱۰ به «یانوکویچ» رئیس‌جمهور سابق بسیار کمک کرده بود. با این حال، واضح‌ترین ابزار رسانه‌ای توسط کرملین در طول بحران اوکراین در سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۵ رخ داد؛ به طوری که یکی از بدترین گزارش‌های تقلبی از وقایع اوکراین که توسط کانال اول عمومی روسیه ارائه شده بود، داستان تصادف یک زن جوان بود. در ۱۲ ژوئیه ۲۰۱۴ و در طول بولتن خبر اصلی این کانال، داستانی توسط یک زن روایت شده بود که معتقد بود صحنه‌ی غیر قابل تصور در اسلوانسک پس از آنکه شهروندان جدایی طلب رها شدند، مشاهده کرد. براساس گزارش زن، گارد ملی اوکراین یک پسر شش ساله که پدرش در شبه نظامیان جدایی طلب ثبت نام کرده بود، به صلیب کشیده شده و سپس مادر این پسر را با تانک بستند و چند بار در اطراف میدان مرکزی کشیدند (تلویزیون کانال ملی روسیه<sup>۳</sup>، ۲۰۱۴). اما در نهایت معلوم شد که قهرمان این گزارش تلویزیونی هرگز در اسلایانسک نبوده است. با این وجود شبکه تلویزیونی برای توجیه پخش این داستان مدعی بود که حتی اگر ادعاهای این زن نادرست باشد؛ این روایت حکایت از سرنوشت ده‌ها کودک و زن نامعلوم که در اغتشاشات اخیر اوکراین ناپدید و یا کشته شده‌اند، همخوانی دارد و با ارائه صحنه‌های از قربانیان غیر نظامی از جمله کودکان که در اثر جنگ در جنوب شرقی اوکراین کشته شده بودند، به گزارش خود مشروعیت داد. اهداف اصلی رسانه‌های روسی در

1. Gorshenin  
2. Pörzgen  
3. itv.ru

ارتباط با بحران اوکراین این بوده است که مردم اوکراین را تحقیر کند، مقامات کیف را زیر فشار قرار دهند و رویدادها را به صورت غیرمتعارف و در راستای اهداف کرمین بازسازی بکنند. روایت هوشمندانه‌ای بود که تضعیف کردن جناح‌های مخالف روسیه در اوکراین بوسیله رسانه‌های روسی صورت بگیرد و به وسیله رسانه‌ها به مردم اوکراین القا کند که هدف از جنگ اوکراین توسط مقامات این کشور، ناتوانی از بازپرداخت بدهی به روسیه است. القای این مفهوم به روسیه این امکان را داده بود تا مردم اوکراین را نسبت به خطر غرب‌گرایی آگاه سازد و به طور همزمان به سیاست‌های نظامی خود در خاک اوکراین مشروعیت بخشد. در اوج بحران کریمه، «ژنرال فلیپ بریدلاو»<sup>۱</sup> فرمانده ارشد وقت نیروهای ناتو رویکرد رسانه‌ای مسکو در جریان بازگرداندن منطقه کریمه به خاک روسیه را حیرت‌انگیز خوانده و گفته است: «حضور روسیه با کمک شبکه تلویزیونی‌اش جالب توجه‌ترین حمله غافلگیرکننده در یک جنگ اطلاعاتی در تاریخ بود.» یک خبرنگار روس نیز در گزارشی از منطقه اعلام می‌کند: «از اتهاماتی که در جنگ داخلی اوکراین به استقلال‌طلبان زده می‌شود این است که به محض اشغال هر منطقه، آنتن‌های تلویزیونی را به سمت مسکو سوئیچ می‌کنند.» (حامدی، ۲۸ آگوست ۲۰۱۷). رویارویی اخیر بین روسیه و اوکراین باعث شد تا تاثیرگذاری رسانه‌ها بسیار مشهود باشد و حتی توانست در جریان امور داخلی این کشور جهت‌دهنده افکار مردم عادی باشد. به طوری که اعتبار رسانه‌های اوکراینی در منطقه غربی این کشور افزایش یافته است، در حالی که رسانه‌های روسی در شرق و جنوب پیشرفت محسوسی کرده‌اند. رقابت شدید ناشی از روزنامه‌ها، رادیو و کانال‌های تلویزیونی روسی، بازار رسانه‌های اوکراین را تضعیف کرده است و مانع توسعه این بخش شده است (Ryabinska, 2011: 5). همچنین رسانه‌های مستقل اوکراینی در ماهیت خود دارای مشکلاتی هستند زیرا رسانه‌های روسی هنوز هم به شدت بر بسیاری از فیلم‌ها، روزنامه‌ها و رسانه‌های آنلاین که دارای محتوای اوکراینی و روسی هستند، تأثیر می‌گذارند. در نتیجه ساختار سیستم رسانه‌ای اوکراین، اگرچه مجبور بود با یک انتقال سخت از دوره انحصار اتحاد جماهیر شوروی روبرو شود، اما هنوز این رسانه با معیارهای یک جامعه دموکراتیک، فاصله زیادی دارد زیرا کشوری با ۴۵ میلیون نفر می‌تواند یک بازار رسانه‌ای بزرگ و پویا داشته باشد که بودجه کم و وابسته چنین اهدافی را ناممکن کرده است.

### ۳- قابلیت‌ها:

در تقابل با جنگ اطلاعاتی مسکو، ممکن است امکانات رسانه‌ای اوکراین محدود باشد اما بی‌فایده

1. Flip Bradlow
2. Hamedi

نیست، و این مسئله نشان دهنده این موضوع است که اوضاع در اوکراین همانطور که دستگاه تبلیغاتی روسیه در تلاش برای اثبات کردن آن است «ساده و به رنگ سیاه و سفید نیست، جایی که غرب شیطانی سیاه است و روسیه فرشته‌ای نازل شده از آسمان» (دارزسکا، ۲۰۱۴: ۲۴). علاوه بر این موضوع، دو هدف اصلی تبلیغات روسیه متناسب با قابلیت رسانه‌ایش باید مورد توجه قرار گیرد: اولاً، نقاط قوت و تأثیر آن بر جمعیت اوکراین و دوم، نقاط ضعف آن و توانایی رسانه‌های اوکراین در بهره برداری از این نقاط ضعف. تبلیغات روسیه حجم بسیار بالایی دارد و از طریق تعداد زیادی کانال پخش می‌شود. این تبلیغات شامل «متن، ویدئو، صدا و تصویرهایی است که از طریق اینترنت، رسانه‌های اجتماعی، تلویزیون ماهواره‌ای و رادیو و تلویزیون به صورت پخش می‌شود.» (کریستوفر و میرام، ۲۰۱۶: ۱۲). همچنین، مبلغان روسی هزاران حساب جعلی را در شبکه‌های اجتماعی مختلفی که توسط «ترول‌ها» از اینترنت استفاده می‌کنند، کنترل می‌کنند تا به اطلاعات و اخبار ضد روسی در اخبار و وب سایت‌ها حمله کنند. بنابراین تکثر منابع اطلاعاتی باعث موفقیت تبلیغاتی روسیه در این بحران شده است. به گفته «کریستوفر و میرام»؛ «منابع متعدد متقاعدکننده‌تر از یک منبع واحد هستند، به ویژه اگر این منابع دارای استدلال‌های مختلفی باشند که به یک نتیجه‌گیری اشاره می‌کنند و همچنین دریافت پیام مشابه از چندین منبع اقناع‌کننده‌تر هم هست» (کریستوفر و میرام، ۲۰۱۶: ۱۷).

علاوه بر این، نویسندگان دیگری معتقدند که وقتی علاقه‌مصرف‌کنندگان کم باشد، تعداد استدلال‌های یک پیام متقاعدکننده‌تر از کیفیت این استدلال‌ها است. همچنین دیدگاه‌های دیگران نقش مهمی را در اعتبار اونها می‌بازد، افرادی که تمایل دارند منبع را به عنوان اطلاعات معتبر دیگران تلقی کنند، آن را معتبر می‌دانند، چه درست چه نادرست. در تبلیغات روسیه هم، کمیت به چهار دلیل مهم است: توجه مخاطبان را به خود جلب می‌کند، رقابت را با غرق کردن آن با اختلاف‌ها، از بین می‌برد، سطح مخاطبان در معرض پیام با تعداد کانال‌ها افزایش می‌یابد، و آن را معتبر می‌کند. بنابراین با پخش همان پیام از طریق منابع و مکانیسم‌های متعدد این اطلاعات افزایش پیدا می‌کند. این واکنش بسیار سریع به وقایع و پخش اولین «اخبار» یک رویداد نوظهور به روشی که به بهترین نحو از منافع روسیه حمایت می‌کند، ابزار اطلاعاتی بسیار قوی روس‌ها در منطقه خارج نزدیک می‌باشد، اگرچه ممکن است این خبر دقیق نباشد. برای دنبال کردن مخاطب برای پذیرش پیام به عنوان حقیقت، آن‌ها اون موضوع را مداوم تکرار می‌کنند، و «اثر حقیقت توهمی»<sup>۳</sup> ایجاد می‌کنند. زیرا تکرار منجر به

---

1. Darczewska  
2. Christopher & Miriam  
3. The effect of illusory truth

آشنایی می‌شود و آشنایی منجر به پذیرش می‌شود (کرسٹوفر و میرام، ۲۰۱۶: ۱۷).

همچنین، تبلیغات روسیه از اطلاعات تولیدی بهره می‌گیرد: عکس‌های ویرایش شده، بازیگران مزدور برای بازی به عنوان قربانی بحران‌ها، صحنه‌های جعلی و منابع دست‌کاری شده. در حالی که برخی اخبار روسیه ممکن است حاوی حقیقت باشد، اما برخی دیگر ممکن است کاملاً نادرست باشند، این نشان دهنده تفاوت بین اطلاعات نادرست و اطلاعات غلط است. ویژگی بارز دیگر تبلیغات روسیه این است که «متعهد به سازگاری نیست»، که با تغییر رویداد از یک روز به روز دیگر تحقق می‌یابد. اگرچه ممکن است این راهبردی متناقض به نظر برسد، اما این ناهماهنگی می‌تواند تأثیر متقاعدکننده‌تری داشته باشد زیرا مخاطب آن را «توجه بیشتر به موضوع» می‌داند و بنابراین سطح اعتبار منبع افزایش می‌یابد. با این وجود، رسانه‌هایی که به صورت گسترده در کشورهای شوروی سابق قابلیت نفوذ گسترده دارند در خلال برنامه‌های خبری و تحلیلی خود اصول تعادل و احترام را نسبت به کشورهای منطقه حفظ نکرده‌اند و حتی در مواقعی به عنوان ابزار استراتژیک در بحران اوکراین عمل کرده است. از این رو کیف پس از بحران اخیر حدود ۱۴ کانال تلویزیونی روسیه را از شبکه‌های ملی خود حذف کرده است و حتی در سال ۲۰۱۵ مولداوی رادیو ۲۴ روسی در خاک خود را به حالت تعلیق در آورده است (روتارو، ۲۰۱۷: ۷). این واکنش‌ها نشان‌دهنده این امر است که اقدام کرملین در سازماندهی رسانه‌ها در خارج نزدیک تا حدودی به شکست انجامیده است و یکی از مهم‌ترین منابع قدرت نرم کشور را به شدت تضعیف کرده است. ابزارسازی رسانه‌ها به جای اینکه رهبران کشورهای شوروی سابق را متقاعد بکند که سیاست‌های خود را در راستای سیاست‌های کرملین هماهنگ کنند، دولت‌های منطقه این ابزار را به عنوان تهدیدی برای ثبات و امنیت خود درک کرده و به دنبال محدود کردن بیشتر رسانه‌های روسی هستند. علی‌رغم قدرتمند بودن ساختار رسانه‌ای روسیه، باید اذعان کرد که قابلیت‌های اوکراین در مقایسه با همسایه بزرگ خود بسیار محدود است و نبود حمایت مالی باعث شده است که رسانه‌های اوکراین به کمک الیگارش‌ها و سیاستمداران حساب باز کنند، که هرگز این کمک‌ها به صورت رایگان نبوده است. از این رو در زمینه جنگ اطلاعاتی با مسکو، اوکراین باید منابع لازم را برای تقویت رسانه‌های خود پیدا کند و اعتماد شهروندان خود را بدون در نظر گرفتن قومیت جلب کند و تنها در این صورت می‌تواند بدون نیاز به کرملین به یک دولت-ملت واحد دست یابد.

در مورد روس تباران ساکن در خارج نزدیک مخصوصاً اوکراین قانون فدرال روسیه هم‌میهنان را به عنوان شهروندان روسی که در خارج از فدراسیون روسیه زندگی می‌کنند، و از لحاظ تاریخی-

فرهنگی - روحانی - حقوقی دارای اشتراکاتی با روسیه هستند، تعریف کرده است؛ در این تعریف شهروندان روسی جمهوری‌های سابق شوروی جزو هم‌میهنان روسیه قرار می‌گیرند. این تعریف کاملاً مبهم و گسترده است زیرا از یک هسته مدنی که شامل شهروندان یک کشور به یک دایره وسیع‌تر که شامل افرادی که از نظر فرهنگی - روحانی - تاریخی نسبت به روسیه علائقی دارند را مرتبط کرده است؛ به عبارتی این تعریف برگرفته از امپراطوری تزارها بوده است و در نتیجه لهستان و حتی فنلاند هم جزو هموطنان می‌باشد و حتی در آخرین تعریف، دایره هم‌میهنان به افرادی که به زبان روسی صحبت می‌کنند و احساسات فرهنگی و معنوی روسیه را برخوردار هستند، اطلاق شده است (لارویل، ۲۰۱۵: ۹۴). با توجه به فرار بودن این تعریف و انتقادات به عمل آمده، تصمیم‌گیرندگان را بر آن داشت تا برای گسترش دامنه توصیفی آن به ارائه ایده جدیدی تحت عنوان «جهان روسی» ترغیب شوند. در همین راستا، از اوایل قرن ۲۱، روسیه تلاش کرده است مکانیزم‌های تابعیت دوگانه را با جمهوری‌های سابق شوروی ایجاد کند؛ و علی‌رغم مخالفت بیشتر کشورهای منطقه کرملین به سیاست‌های غیر رسمی خود برای ارائه پاسپورت به ویژه به جمعیت مناطق مورد مناقشه خواهان استقلال روی آورده بود. به طور کلی شهروندی به افرادی داده می‌شود که در یک کشور اقامت دارند؛ اما با این حال، مقررات ویژه‌ای از قانون شهروندی روسیه به تمام شهروندان شوروی سابق اجازه می‌دهد تا برای اقامت دائمی یا موقت در روسیه درخواست دهند. این قانون در سال ۲۰۰۹ لغو شد؛ اما در آوریل ۲۰۱۴ و یک ماه بعد از انضمام کریمه، پوتین قوانین ساده و سریع‌تری برای اعطای تابعیت به افرادی که به زبان روسی صحبت می‌کنند، دارای حداقل یک اجداد روسی بوده، اقامت دائم از شوروی یا امپراطوری روسیه یا کسانی که به هر نحو در قلمرو روسیه زندگی می‌کردند، ارائه کرده بود. این ساده‌سازی قوانین شهروندی تنها سوءظن کشورهای شوروی سابق را افزایش داده است. باید به این نکته توجه کنیم که در نوامبر ۲۰۰۹، کرملین با اصلاح شیوه دفاع از مرزهای خود، قانونی را تصویب کرده است که: «عملیات نیروهای مسلح فدراسیون روسیه فراتر از مرزهای سرزمین این کشور و برای محافظت از شهروندان روسی در کشورهای مورد حمله مسلحانه الزامی است». از طرف دیگر، روسیه شهروندی را به صدها هزار مهاجر کارگری از جمهوری‌های شوروی سابق داده است، بدون اینکه گذرنامه خود را از کشور خودشان تسلیم کنند. بر طبق اطلاعات غیر رسمی، برخی از مردم اوستیای جنوبی دارای گذرنامه روسی هستند. ساکنان کریمه سال‌ها قبل از انحلال این شبه جزیره روسیه شهروندی داده شده است، اگرچه قانون اوکراین اجازه نمی‌دهد شهروندی دوگانه باشد (لارویل، ۲۰۱۵: ۱۲).

با این وجود سیاست گذرنامه و بسیج هموطنان در جمهوری‌های شوروی سابق با مفهوم قدرت نرم مخالف است. این اقدامات مشارکت واقعی با کشورهای هدف را مختل می‌کند. حمایت غیرمنطقی از هموطنان روسی که در خارج نزدیک زندگی می‌کنند، عدم همکاری و اعتماد متقابل بین کشورهای هدف و روسیه، نتیجه‌ای جز بی‌اعتمادی به شهروندان روسی در کشورهای منطقه و حمایت‌های مداوم روسیه از آنها فقط با سوءظن بیشتر دولت‌های شوروی سابق مواجه خواهد شد. در سال ۲۰۱۲، هنگامی که کیف قانونی را تصویب کرد که به موجب آن هر زبان محلی که حداقل ۱۰ درصد اقلیت را به رسمیت شناخته باشد، به رسمیت شناخته شدن در آن منطقه مقرره مطابق با حقوق جهانی اقلیت، اعلام شود، صدها نفر از اوکراین در کیف برای اعتراضات خیابانی علیه این قانون تظاهرات کردند. آنها این لایحه را تهدید به حاکمیت اوکراین نامیدند و ادعا کردند که به این ترتیب روسیه به یک زبان رسمی دولت برای شرق اوکراین تبدیل خواهد شد و نیمی از کشور را به طرف روسیه هدایت خواهد کرد. سپس، در ماه فوریه ۲۰۱۵، وزارت امور خارجه اوکراین اعلام کرد که شروع به «تحریم» علیه دارایی‌های تابعیت دوگانه می‌کند که یک اقدام ویژه به ویژه شهروندان اوکراین با گذرنامه‌های روسی را هدف قرار داده بود (گریگاس<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲).

#### ۴- سازمان‌ها:

سازمان‌ها به دلیل تأثیرگذاری و تعامل با جمعیت غیرنظامی نقش مهمی در زندگی مردم عادی دارند. در میان آن‌ها، مهمترین سازمان‌هایی که کرملین در اوکراین از آن بهره می‌گیرد، عبارتند از: سازمان‌های غیردولتی و غیرانتفاعی، کلیساها، اندیشکده‌ها، شرکت‌های بزرگ و احزاب سیاسی. این سازمان‌ها ابزار قدرت نرم کرملین برای تأثیرگذاری بر افکار جهانی می‌باشد. یکی از تحلیل‌گران روسی معتقد است که: «روسیه پوتین به ایده‌های تأمین بودجه با هدف تأثیرگذاری بر روشنفکران، اندیشکده‌ها، احزاب سیاسی و جنبش‌های مذهبی و اجتماعی در سراسر جهان اهمیت وافری می‌دهد» (پومرانتسو و ویس<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴: ۱۸). تقریباً ۵۰،۰۰۰ سازمان غیردولتی و خیریه در اوکراین ثبت شده‌اند که بسیاری از آن‌ها بودجه خود را از دولت‌های خارجی مانند روسیه دریافت می‌کنند. در همین راستا مسکو حدود ۱۳۰ میلیون دلار در سال برای پروژه‌های سازمان‌های غیردولتی که عمدتاً در کشورهای شوروی سابق و بالکان می‌باشد، هزینه می‌کند (راسل<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶: ۳)، در قبال این هزینه و

1. Grigas  
1. Pomerantsev & Weiss  
2. Russell

حمایت، دولت روسیه به منظور تضعیف همکاری کشورهای خارج نزدیک مخصوصاً اوکراین فعالیت سازمان‌های غیردولتی همانند کلیساها را کاملاً کنترل می‌کند.

مسکو مصمم است که با کاهش خودمختاری کلیسای ارتدوکس اوکراین تمام کلیساها را زیر نظر کلیسای ارتدوکس روسیه قرار بدهد و با جذب کلیسای مستقل اوکراین به حوزه قضایی خود، وضعیت خود را در این کشور بیشتر تقویت بکند. به طوری که در سال‌های گذشته، احزاب مسکو تلاش‌های بسیاری برای حمایت از دولت اوکراین به منظور فشار به اسقف‌ها و کشیش‌های کلیسای مستقل اوکراین برای بازگشت صلاحیت از کیف به مسکو انجام داده بودند. باید دقت داشت که پایه‌ها و بنیان‌های مذهبی سیاست خارجی فدراسیون روسیه به وضوح قابل لمس است و اگر بازیگران و دولت‌های دیگر این مساله را لمس نکنند دچار نوعی اشتباه شده‌اند در این زمینه می‌توان ایده‌های مسیحی ارتدوکسی که سیاست خارجی روسیه را در مورد بحران‌های خارج نزدیک از جمله بحران اوکراین هدایت می‌کند مدنظر قرار داد. در حقیقت با فهم بعد مذهبی دکترین جهان روسی پوتین، می‌توان با نگاهی عقلانی پوتین و دولت او و همچنین تلاش برای ترویج روس‌گرایی در جهان را فهمید (استنت<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸) همچنین ضمیمه کریمه و جنگ در شرق اوکراین به ضرر پدرسالاری مسکو در اوکراین تمام شد. این رویدادها باعث شد که کلیساهای مستقل اوکراین با ارائه پیشنهاداتی در یک کمیسیون مشترک در ژوئن ۲۰۱۵ صلاحیت ادغام تمام کلیساهای اوکراین زیر نظر کلیسای ارتدوکس محلی را صادر کنند. این امر موجب تضعیف بیشتر کلیسای ارتدوکس روسیه شد؛ زیرا در سال ۲۰۱۳م، ۲۸ درصد از مومنان معتقد به ارتدوکس روسی در اوکراین به ۲۴ درصد کاهش یافته بود. برای «پاتریخ کریل»<sup>۲</sup> از دست دادن اوکراین یک فاجعه خواهد بود. از ۳۰۰۰۰ کلیسای روپیه در اوکراین حدود ۱۲۰۰۰ نفر در کلیسای این کشور تحت صلاحیت مستقیم روسیه قرار دارند؛ از این رو، بدون کلیسای اوکراین، کلیسای ارتدوکس روسیه وضعیت خود را به عنوان بزرگترین کلیسای ارتدوکس و پاتریخ کریل جاه‌طلبی‌های خود را به عنوان رهبر جهان ارتدوکس بر باد رفته خواهد دید (ریژکو<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵). بنابراین، ابزارسازی کلیسا متناسب با راهبردهای مسکو در خارج نزدیک همانند رسانه‌های روسی نتیجه بالعکس داشته است و معلوم شد که چنین رویکردی منجر به از دست رفتن جذابیت کلیسای ارتدوکس روسیه در بین معتقدین ارتدوکس در جمهوری‌های سابق شوروی شده است. به عنوان مثال در اوکراین، داده‌های جامعه‌شناختی نشان می‌دهد که کلیسای ارتدوکس تحت صلاحیت پدرسالاری

3. Stent  
2. Patrick Krill  
2. Ryzhkov



مسکو، حدود ۴ درصد از طرفدارانش را بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ از دست داده است و احتمالاً با ادامه حمایت مسکو از مناطق جدایی طلب اوکراین این آمار رو به فزونی خواهد گرفت. حتی در دسامبر ۲۰۱۴ کلیسای ارتدوکس بلاروس با ارائه طرحی به دنبال خودمختاری بیشتر از کلیسای ارتدوکس روسیه بود، این ابتکار عمل در قالب مشارکت پنهانی روسیه در جنگ شرق اوکراین صورت گرفت (راسل، ۲۰۱۶).

علاوه بر کلیساها، فرهنگ روسیه نیز از طریق تعداد زیادی از اندیشکده‌های فعال، که با مطالعه تخصصی در زمینه مورد نظر مقالات زیادی از جمله به زبان انگلیسی منتشر می‌کنند، در حال نهادینه شدن در اوکراین است. مسکو از کاهش علاقه به زبان روسی در اوکراین ابراز نگرانی کرده است؛ از این رو تلاش کرده است این روند را معکوس کند. استقرار بنیاد جهانی روسیه که یکی از اهداف اصلی این بنیاد تدریس آموزش روسیه در خارج نزدیک است، از تلاش‌های کرملین برای حفظ روند نفوذ در کشورهای خارج نزدیک مخصوصاً اوکراین بوده است. از طرف دیگر، زبان روسی زبان سازمان‌های تحت رهبری روسیه در خارج نزدیک من جمله: کشورهای مستقل مشترک منافع، سازمان پیمان امنیت جمعی و اتحادیه اقتصادی اوراسیا است. برخی از محققین معتقدند حتی اگر این زبان به صورت اجبار در این سازمان‌ها مورد تاکید باشد، پیامدهای آن برای روسیه بسیار عمیق است زیرا به طور غیرمستقیم کشورهای عضو سازمان‌های یاد شده برای آموزش متخصصان و بدست آوردن دانش فنی باید از زبان روسی در معاملات و تبادلات خود استفاده کنند (روتارو، ۲۰۱۷: ۴). روسیه با ترویج زبان خویش مترصد است تا از میراث زبانی و ادبی خویش در مناطق هم‌زبان یا علاقه‌مند به زبان روسی، برای ارتقاء قدرت نرم خویش بهره گیرد و اوکراین یکی از این کشورها است. برای رسوخ زبان روسی نیز از راهبردهایی نظیر افزایش کنش‌گری مؤسسات فرهنگی در سفارتخانه‌های روسیه، برپایی بزرگداشت تاریخی زبان روسی، برنامه‌های ترانسفر از طریق دانشگاه‌ها، برنامه‌های درسی مشترک، بورس‌ها و حمایت مالی از محققان و دانش‌آموختگان کشورهای مستقل مشترک المنافع و... بهره می‌برد. روسیه تلاش دارد با بهره‌گیری از ظرفیت‌های زبانی و ادبی موجود در پیشینه تمدنی خویش، به بازسازی فضای تمدنی «جهان روسی»<sup>۱</sup> و اقتدار نرم بیرونی دست یابد (لارولل، ۲۰۱۵: ۲-۱۵).

همچنین احزاب سیاسی نقش مهمی در اعتراضات اوکراین داشتند. ساختار سیاسی اوکراین میان دوگانگی طرفداری از روسیه و غرب ایجاد شده است، بنابراین اردوگاه سیاسی این احزاب به دو گروه قابل تقسیم می‌باشد: گروه لیبرال طرفدار غرب و طرفدار اروپایی (که توسط گروه‌هایی از جمله

اوکراین ما، میهن ما اوکراین) تصدیق می‌شوند و گروه طرفدار روسی، اروپا ستی، ضد امریکایی و ضد لیبرال به نمایندگی از جناح مخالف، حزب مناطق و حزب کمونیست اوکراین. این گروه‌ها با داشتن ارتباط مستقیم با غیرنظامیان، همواره ابزاری مناسب برای اهداف تبلیغی کرملین بوده‌اند و با تأمین مالی آن‌ها و برقراری روابط نزدیک با رهبرانشان، پوتین مغرورانه موفقیت کرملین در زمینه پیگیری بسیاری از نیازهای سازمان‌های غیرانتفاعی، شرکت‌های بزرگ و کلیساها را نشان‌دهنده محبوبیت و افزایش قدرت نرم روسیه در خارج نزدیک می‌داند.

#### ۵- مردم:

«اولگ بازالوک» محیط داخلی اوکراین را به گونه‌ای تشریح کرد که مورد تعجب جامعه جهانی قرار گرفت؛ تنوع متخاصم جمعیتی- قومی، اقتصاد عقب مانده، وضعیت بهداشتی بسیار اسفناک (اوکراین دارای بالاترین میزان مرگ و میر در اروپا)، سطح پایین آموزش جمعیت غیرنظامی (دیپلمه‌ها مطابق با استانداردهای جهانی نیست) و پایگاه علمی و فنی بسیار عقب مانده در اروپا (بازالوک<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶: ۳۲). با تأمل در مسائل فوق مشخص می‌شود که تنوع جمعیتی و مذهبی، شکاف و گسل عمیقی را در اوکراین بوجود آورده است که نیروی انباشته شده به یکباره رها گشته و در سال ۲۰۱۴ از علل اصلی شروع و دامنه‌دار شدن بحران در این کشور به شمار می‌رود. به بیانی گسل‌های وسیع و عمیق در گستره‌ی سرزمینی اوکراین این جغرافیا را به شدت به غلطیدن در بی‌ثباتی داخلی و به تبع آسیب پذیری خارجی مستعد نموده است. مسئله مهم‌تر راجع به چنین کشورهایی این است که چنانچه در کشورهایی با تنوع جمعیتی، بحرانی رخ دهد، نحوه مدیریت بحران در آن نیز زمان‌بر و مشکل‌تر خواهد بود؛ چرا که به هنگام ورود عناصر خارجی، هر کدام به حمایت از قومیت‌ها و گروه‌های جمعیتی طرفدار خود اقدام می‌کنند، که نتیجه‌ای جز تصلب و پیچیده شدن فزاینده فضای بحران و شتاب در تحولات را در بر نخواهد داشت (شاپوری، ۱۳۹۳). کوتاه سخن اینکه تنوعات قومی و زبانی به همراه شرایط تاریخی و تفاوت‌های اقتصادی، باعث ایجاد شکاف‌های عمیقی میان مردمان غرب، شرق و جنوب اوکراین شده است. به خصوص که مردم این کشور و به ویژه مناطق شرقی آن که عمدتاً روس‌نشین هستند چندان اهل تساهل نیستند و نسبت به ملیت‌ها و مذاهب دیگر نظر خوبی ندارند. در نتیجه همین گسل‌های قومی، وقوع هرگونه تحول سیاسی آثار راهبردی و اجتماعی خاص خود را در اوکراین ایجاد می‌کند.

1. Bazaluck

علاوه بر این، در اوکراین بالا بودن نرخ بیکاری، بالا بودن شاخص فساد اقتصادی و فقر گسترده از مشخصات اقتصادی این کشور است. مطالعه اخیر بانک جهانی روی اقتصاد این کشور، از فساد فراگیر به عنوان یکی از عوامل اصلی عقب ماندن این اقتصاد یاد می کند. در سطح شهر، کسب و کارها در معرض برخورد مستبدانه مقامات و تقاضای رشوه قرار دارند. در سطوح بالاتر، طیف وسیعی از مردم به ثروت انباشته صاحبان رابطه که به الیگارشی (اشراف) معروفند، تردید دارند. توجهات به خصوص روی کارنامه پسر یانو کویچ، «الکساندر» دندانیز شک متمرکز شده که بر اساس گزارش «فوربس» اوکراین از طریق شرکت‌های تجاری مختلف ثروتی ۵۱۰ میلیون دلاری اندوخته است. اوکراین در شاخص احساس فساد ۲۰۱۷ در میان ۱۸۰ کشور مورد بررسی سازمان شفافیت بین الملل که گروهی ضد فساد است با رتبه ۱۳۰ بعد از پاپوآ گینه نو و نیجریه قرار گرفت (بورگن پروجکت، ۲۰۱۸). اختلاس و فرار مالیات پدیده‌ای رایج در میان الیگارشی قدرت و ثروت در اوکراین است و این امر ناشی از غیررسمی بودن بخش بزرگی از اقتصاد اوکراین است. یکی از دلایل عدم امضای قرارداد با اتحادیه اروپا توسط یانو کویچ، همین پدیده فساد بود. در واقع در صورت امضای قرارداد مذکور، فشارها بر کی یف به منظور بالا بردن سطح شفافیت در بخش‌های مختلف، افزایش می یافت؛ مسئله‌ای که نخبگان قدرت و ثروت در اوکراین از اولین کسانی هستند که از آن ضرر می بینند. بنابراین این شرایط باعث شده است که تحلیل منازعات اوکراین بسیار پیچیده شود. اما وقتی یک جنگ اطلاعاتی به میان می آید، اوضاع پیچیده تر هم می شود، زیرا هدف اصلی تأثیر گذاری بر نگرش و اعتقادات جمعیت غیر نظامی است؛ «روسای جمهور، الیگارشی‌ها، کشیش‌ها، سیاستمداران و روزنامه نگاران مشهور» موفق به انجام این کار به شیوه‌ای مؤثر می باشند. همچنین، بسیاری از تجار در دهه ۱۹۹۰ از تجارت گاز با روسیه ثروتمند شدند، آنها گاز را با قیمت پایین می خریدند و در بازارهای آزاد با قیمت‌های مختلف می فروختند (این عمل به «نشستن روی لوله» معروف است). از این رو، مزیت الیگارشی‌های اوکراین این است که با قدرت و ثروت هنگفتی که جمع کردند نقش مهمی در سیاست و اقتصاد این کشور دارند و با کنترل رسانه‌ها و اعضای پارلمان موفق به دفاع از خود می شوند. جنگ مداوم با روسیه هم آنها را از خطر تظاهرات «علیه الیگارشی‌ها» در اوکراین امان نگه می دارد، زیرا چنین تلاشی منجر به درگیری سیاسی و ایجاد بی ثباتی داخلی در اوکراین می شود.

1. The borgen project
2. Sitting on the pipe

جنگ هیبریدی روسیه در قبال جمهوری اوکراین با تاکید بر راهبرد اطلاعاتی

جدول ۱. وضعیت اجتماعی و مذهبی اوکراین (رازماکو سنتر، ۲۰۱۹)

تعداد جمعیت به نفر	رشد جمعیت	گروه‌های قومی	مذهب	گروه‌های زبانی
۴۳,۹۵۷,۹۶۹	-%۰/۵۷	اوکراینی ۷۸ درصد- روسی ۱۷ درصد- بلاروسی ۰/۶ درصد- بلغاری ۰/۴ درصد- مجاری ۰/۳- کریمه تاتاری ۰/۵ درصد- یهودی ۰/۲ درصد- اقلیت‌های دیگر ۱/۸ درصد	۶۷/۳ درصد ارتدوکس (اوکراینی) ۲۸/۷ درصد- ارتدوکس مستقل ۲۳/۴ درصد- ۱۲/۸ درصد ارتدوکس روسی- ۱/۱۲ ارتدوکس های دیگر). ۷/۷ درصد مسیحی- ۹/۴ درصد کاتولیک اوکراینی- ۲/۲ درصد پروتستان- ۰/۸ درصد کاتولیک لاتین- یهودی ۰/۴ درصد- مذاهب دیگر ۰/۱ درصد	۶۷ درصد به اوکراینی- ۲۴ درصد به روسی- ۹ درصد زبان‌های دیگر.

جدول ۲. اوضاع اقتصادی اوکراین تا سال ۲۰۱۹ (Index of economic freedom, 2019)

تولید ناخالص داخلی	نرخ بیکاری	نرخ تورم	درآمد سرانه	ذخایر ارزی	نرخ رشد اقتصادی	بدهی ملی
۳۶۸,۸ میلیارد دلار	۹/۵ درصد	۱۴/۴ درصد	۸,۷۱۳ دلار	۲۱۸۰۰ میلیارد دلار	۲/۵ درصد	۹۱,۳ میلیارد دلار

۶- رخدادها یا وقایع:

اوکراین در طول تاریخ خود مسیر همواری نداشته است. برنامه‌های کشتار علیه یهودیان، قحطی بزرگ، قتل عام نازی‌ها توسط غیرنظامیان در بابتی یار و فاجعه هسته‌ای چرنوبیل فاجعه‌هایی بود که منجر به مرگ میلیون‌ها نفر شد و جمعیت را با وابستگی کامل به حمایت دولت، بیکاری مضاعف، خسارت به محیط زیست و افزایش هزینه مراقبت‌های بهداشتی و رسیدگی به جمعیت کنهسال روبرو کرد. همان‌طور که «مارتا دیکچوک»، استادیار دانشگاه آکسفورد معتقد است: «مشکلات اجتماعی اوکراین منحصر به فرد نیست، اما اوکراین مجبور شد تمام این مسائل را در طی روند انتقال به یک کشور مستقل تحمل کند» (دیزوک، ۲۰۱۳: ۲۱). اگرچه بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند که این تاریخ پرفراز نشیب و گسترش بحران کنونی، به علت تاریخ مشترک روسیه و اوکراین مرتبط است، اما

1. Razmakuv center
2. Dyczok

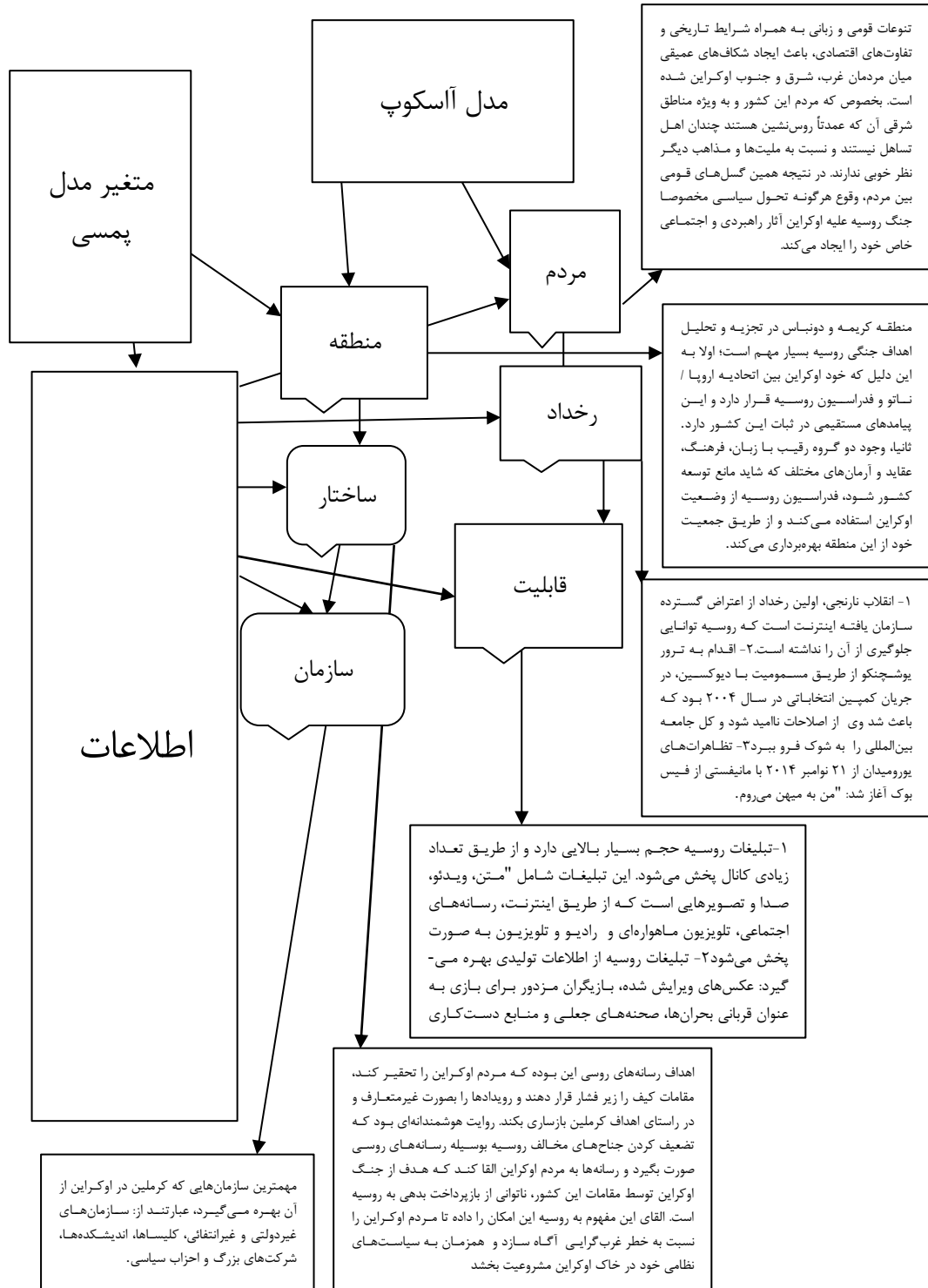
مقصود این تحلیل گران فقط تبرئه کردن سیاست مداران اوکراین و نشان دادن ذات پلید روس‌ها می باشد. همچنین این گروه از تحلیلگران اعتقاد بر این دارند که انقلاب نارنجی، اولین رخداد از اعتراض گسترده سازمان یافته اینترنت است که موفقیت آن به دلیل استفاده از اطلاعات اینترنتی حاصل شده است که روسیه توانایی جلوگیری از آن را نداشته است. «لیسنکو و دسوزا» در مطالعه موردی خود درباره انقلاب نارنجی اظهار داشتند: «از آنجا که رسانه‌های سنتی و جمعی اوکراین به صراحت یا به طور ضمنی توسط رژیم وقت کنترل می شدند، گروه‌های مدنی شروع به استفاده از اینترنت به عنوان یک کانال جایگزین برای اطلاعات انتقادی کردند» (لیسنکو و دی سوزا، ۲۰۱۰: ۲۱).

یکی دیگر از رخدادهای حیرت انگیز اوکراین، اقدام به ترور «یوشچنکو» از طریق مسمومیت با دیوکسین، در جریان کمپین انتخاباتی در سال ۲۰۰۴ بود که باعث شد وی از اصلاحات ناامید شود و کل جامعه بین‌المللی را به شوک فرو برد. یوشچنکو در یکی از مصاحبه‌های فراوان خود درباره این حادثه اظهار داشت: «مسمومیت من اتفاق افتاد زیرا من قدم به قدم به سمت اتحادیه اروپا نزدیک شده بودم اما یک همسایه داریم که نمی‌خواهد این اتفاق بیفتد (سنگوپتا، ۲۰۱۵: ۲)» تظاهرات‌های یورومیدان از ۲۱ نوامبر ۲۰۱۴ با مانیفستی از فیس بوک آغاز شد: «من به میهن می‌روم. چه کسی با من همراه است؟» گفته می‌شود که حتی نام انقلاب نیز با هشتگ استفاده شده در فیس‌بوک و تویتر آغاز شده است. این رویداد توسط هزاران نفر در رسانه‌های اجتماعی دنبال شد و از طریق مصاحبه‌های آنلاین به مردمی که برای آزادی خود می‌جنگیدند، روحیه مضاعف می‌داد. همچنین رخداد یا انقلاب یورومیدان یک بعد آنلاین مهم داشت: فعالان اینترنتی مشغول به اشتراک گذاری اطلاعات بودند، انجمن‌ها پر از بحث و گفتگو بود، اینترنت پر از فیلم‌های زنده از تظاهرات بود و جامعه بین‌المللی این رویداد را با شور و ذوق خاصی در شبکه‌های اجتماعی دنبال می‌کرد. پخش مستقیم ویدیویی حوادث یورومیدان از طریق اینترنت به ابزاری اساسی برای نشان دادن قدرت اطلاعات در بحران اخیر بوده است (بودانوا، ۲۰۱۵: ۸). اما روسیه با تلاش برای مسدود کردن دسترسی به منابع درست خبری و درخواست اطلاعات در مورد معترضین یورومیدان، سعی در کنترل رسانه‌های آنلاین داشت. همچنین الحاق کریمه در ۲۷ فوریه ۲۰۱۴ با استفاده از تنها شصت مرد با کلاشینکف، اثربخشی دستگاه تبلیغاتی روسیه را نشان می‌دهد. تلاش برای ایجاد یک احساس مثبت از هویت روسی و متقاعد کردن ساکنان کریمه و شرق اوکراین مبنی بر اینکه ناسیونالیست‌های اوکراینی قصد داشتند گویندگان روسی را بکشند، عاملی بوده

1. Lysenko and Desouza
2. Sengupta
3. Bohdanova

است تا مردم کریمه آرزوی بازگشت به سرزمین مادری خود (روسیه) را خواستار باشند. اقدام دراماتیک دیگر روسیه، درگیری در دونباس بود، منطقه‌ای که تعداد زیادی جمعیت روس زبان در آن زندگی می‌کنند. بسیاری از رسانه‌ها سعی در ایجاد جنگ در دونباس داشتند. کانال‌های روسی برای «مشروعیت» دادن به اقدامات روسیه در منطقه، داستان‌های جعلی، تصاویر جعلی و اطلاعات غلط پخش می‌کردند. علاوه بر این، «مانورهای نظامی جعلی اوکراین برای دوربین‌های روسی برنامه‌ریزی شده بود - با هدف اصلی گسترش اطلاعات غلط به روس زبانان دونباس برای مقابله با دولت غرب گرای اوکراین» (پومرانستو و ویسس، ۲۰۱۴: ۳۰).

در پایان باید اذعان کرد که با توجه به عناصر چندگانه تشکیل دهنده جنگ ترکیبی یا هیبریدی، روسیه ابتدا تلاش کرد اوکراین را تحت فشار اقتصادی قرار دهد. در این چارچوب شاهد استفاده مسکو از توانمندی اقتصادی و اهرم انرژی خود علیه اوکراین بودیم که بعدها یعنی از اول ژانویه ۲۰۱۶ با تحریم اوکراین همراه شد. در بُعد سیاسی یا دیپلماتیک، روسیه تلاش کرد تعاملات دیپلماتیک را با کشورهای غربی مخصوصاً اتحادیه اروپا درباره بحران اوکراین تشدید کند که نمونه آن ایجاد گروه «نرماندی» و نیز گروه «تماس» بود. در عین حال مسکو با توجه به توانمندی سایبری که در اختیار دارد، جنگی رسانه‌ای را از طریق شبکه رسانه‌ای و همچنین شبکه‌های اجتماعی در مورد اوکراین راه انداخت. بُعد دیگر جنگ ترکیبی که از سوی روس‌ها در شرق اوکراین پیاده شد، حمایت همه‌جانبه نظامی، لجستیکی، مالی و انسانی از مخالفان شرق اوکراین بود که در نهایت منجر به اعلام استقلال یک‌جانبه دو استان شرقی اوکراین یعنی لوهانسک و دونتسک شد. هر چند هیچ کشوری آن‌ها را به رسمیت نشناخته است. در عین حال، روس‌ها بارها از نیروهای ویژه خود در شرق اوکراین برای مقابله با نیروهای دولتی اوکراین استفاده کرده است. به علاوه روسیه از نیروهای منظم خود، یعنی نیروهای ارتش روسیه نیز برای انجام رزمایش‌ها در جوار مرزهای غربی روسیه که هم‌مرز با اوکراین و سایر کشورهای اروپای شرقی می‌شود برای هشدار به مقامات اوکراین و سایر کشورهای غربی استفاده کرده و از همه مهم‌تر در موارد مختلف توان سایبری خود را علیه اوکراین به کار گرفته است. استفاده از این ترکیب پیچیده از عوامل مختلف قدرت سخت، نیمه سخت و نرم باعث شد «آندرس فوگگ راسموسن» دبیر کل قبلی ناتو صراحتاً اعلام کند ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه متخصص جنگ‌های هیبریدی است.



## نتیجه گیری

در جنگ‌های جدید مخصوصاً در جنگ‌های هیبریدی، عملیات‌ها از طریق فرماندهی مأموریت انجام می‌شود که کاملاً در سطح زمین و مخصوصاً به وسیله انسان‌ها صورت می‌گیرد. منطقی است که بگوییم انسان هسته اصلی جنگ است و پیچیدگی جنگ عمدتاً با ماهیت مبهم بشریت صورت می‌گیرد. موفقیت یک مأموریت متکی به سطح درک است که رهبر با یکپارچه کردن تکنیک‌هایی برای تجزیه و تحلیل جنبه‌های مختلف زمین در فرآیند تصمیم‌گیری نظامی به دست می‌آورد. همچنین درک زمین انسانی چالش‌برانگیز است زیرا ارزش‌ها از یک جامعه به جامعه دیگر متفاوت هستند و با گذشت زمان تغییر می‌کنند. با این حال رهبر باید سریع سازگار شود و انعطاف‌پذیری خودش را نشان دهد. در همین راستا روسیه تأثیر قدرت نرم را در هنگام مدیریت الحاق یک قلمرو (کریمه) بدون شلیک اسلحه نشان داد. بخش رسانه‌ای روس‌ها نقش مهمی در نگه داشتن اکثر اوکراینی‌ها در فضای اطلاعاتی روسیه ایفا کرده است. همان‌طور که در تجزیه و تحلیلات مشخص شد، راهبرد اطلاعاتی روسیه در طیف گسترده‌ای از ابزارها منعکس شده است، هر ابزاری دارای روش‌ها و نتایج مشخص است، اما همه ابزارها با هم یکپارچه شده‌اند تا بتوانند به هدف اصلی یعنی ایجاد بی‌ثباتی در اوکراین دامن زنند. پس از هر مرحله از این تجزیه و تحلیل، می‌توان نتیجه گرفت که حتی جنگ اطلاعاتی در راهبرد روسیه، با توجه به ابزارهای متعدد و متنوعی که در آن آمیخته شده است، هیبریدی است.

اوکراین نه تنها یک کشور ترانزیتی بین غرب و روسیه است، بلکه قلمرو آن نیز از نظر قومیت و زبان عمیقاً به دو گروه بزرگ تقسیم می‌شود، این ضعفی است که روسیه به دنبال حداکثر استفاده از تبلیغات برای شکل دادن به عقاید و دفاع از اقدامات خود است. همچنین فساد گسترده سیستم الیگارشیک رسانه در محتوای انتشارات منعکس می‌شود. توسعه ناکافی سیستم رسانه‌ای در اوکراین باعث شده است که این کشور نتواند در جنگ تبلیغاتی مسکو توان مقابله داشته باشد. در این جنگ اطلاعاتی، تبلیغات نیز از طریق سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های هموطنان روسی در خارج کشور مخصوصاً در اوکراین و کلیساها انجام می‌شود، زیرا شهروندان به این سازمان‌ها اعتماد دارند. حتی یک رخداد مهم (یورومیدان) که در سرنوشت اوکراین بسیار تأثیرگذار بود به دلیل هژمونی رسانه‌ای روسیه و تبلیغات زیاد باعث سردرگمی مردم اوکراین و ارائه اطلاعات غلط و جعلی در بحران ۲۰۱۴ به سود منافع روسیه شده بود. همچنین پوتین با بهانه حمایت از هموطنان خود در خارج از کشور، به قلمرو کشور دیگر حمله کرد (کریمه) و آن را ضمیمه روسیه کرد. اما موفقیت واقعی در این موضوع این است که وی این کار را «با میل ساکنان کریمه» یا هم‌میهنان روسی‌اش انجام داده است و این تهاجم حاصل موفقیت تبلیغات کرملین بوده است. از این گذشته، معلوم شد که بحران اوکراین بیشتر مربوط به آینده روسیه در نظام جهانی است و نه سرنوشت مردم اوکراین.



## منابع

### فارسی

- دانش‌نیا، فرهاد و مارابی، مه‌ری (۱۳۹۵). «تقابل سازه انگارانه امریکا و روسیه در اوکراین». *مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۹، شماره ۲، پاییز و زمستان.
- مشرق نیوز (۱۰ اسفند ۱۳۹۲). جنگ سایبرنتیک امریکا علیه سیاست اوراسیایی پوتین. <https://www.mashreghnews.ir/news/289611>

### لاتین

- Tv.Ru. (2014a). "Refugee from Slavyansk Recalls How She Witnessed the Execution of The Young Son And Wife of a Volunteer". <http://www.1tv.ru/news/world/262978>. Accessed February 10, 2016.
- 1Tv.Ru. (2014b). "Journalists of Channel One Answer Charges of Lying in Connection with the Report about the Murder of a Child in Slavyansk". <http://www.1tv.ru/news/about/274369>. Accessed February 15 2016.
- Bazaluk, O. (2016). *Corruption in Ukraine: Rulers' Mentality And The Destiny of the Nation, Geophilosophy of Ukraine*. Newcastle upon Tyne, UK: Cambridge Scholars Publishing.
- Bohdanova, T. (2015). *How Euromaidan And War with Russia Have Changed Ukraine's Internet*. Stop Fake.org – Struggle against fake information about events in Ukraine, available at: <http://www.stopfake.org/en/how-euromaidan-and-war-with-russia-have-changed-ukraines-internet/>, accessed on: 2 May 2018.
- Chambers, John, (2016). *Countering Gray-Zone Hybrid Threats*, Available At: <https://mwi.usma.edu/wp-content/uploads/2016/10/Countering-Gray-ZoneHybrid-Threats.pdf>.
- Christopher, P., & Miriam, M. (2016). *The Russian "Firehose of Falsehood" Propaganda Model*. Santa Monica, USA: RAND Corporation.
- Darczewska, J. (2014). *The Anatomy of Russian Information Warfare: The Crimean Operation, A Case Study*. Warsaw, Poland: Centre For Eastern Studies.
- Darczewska, Jolanta. (2015). "The Devil Is in the Details: Information Warfare in the Light of Russia's Military Doctrine." *OSW Point of View no. 50 (May)*. Center for Eastern Studies, Warsaw.
- Dyczok, M. (2013). *Ukraine: Movement Without Change, Change Without Movement*. Abingdon: Routledge Taylor & Francis Group.
- Factbook(2019), *Ukraine features*. <https://theodora.com/wfbcurrent/ukraine/index.html>.
- Grigas, Agnia(2012). "Legacies, Coercion and Soft Power: Russian Influence in the Baltic States." Chatham House Briefing Paper. August
- Hamedim hamid(2017), *Russia today: Moscow terova horses*. <https://www.linkedin.com/pulse>.
- Haub, C. (2014). *Ukraine's Demographic Reality*. Washington, DC: Population Reference Bureau, available at:<https://www.prb.org/ukraine-population/>, accessed on: 2 May 2018].
- Laruelle, Marlene (2015), "The Russian World: Russia's Soft Power and Geopolitical Imagination", the Center on Global Interests, May, Washington D.C,
- Lovelace, Douglas,2016, *Hybrid Warfare and the Gray Zone Threat*,Oxford University Press, 2016
- Lysenko, V., & Desouza, K. (2010). *Role of Internet-based Information flows And technologies In electoral revolutions: The case of Ukraine's Orange Revolution*. *First Monday Journal*, Vol. 15, No. 9.
- Makarychev, Andrey(2018), "Beyond Geopolitics: Russian Soft Power, Conservatism, and Biopolitics". *koninklijke brill nv, leiden, 2018 | doi 10.1163/2451-8921-00301007*.

- MATVEEVA, ANNA(2018), Russia's Power Projection after the Ukraine Crisis. EUROPE-ASIA STUDIES, 2018 <https://doi.org/10.1080/09668136.2018.1479735>.
- NATO StratCom COE – NATO Strategic Communications Centre of Excellence (2015). Analysis of Russia's Information Campaign against Ukraine, available at: [file:///C:/Users/asus/Downloads/russian\\_information\\_campaign\\_public\\_12012016fin.pdf](file:///C:/Users/asus/Downloads/russian_information_campaign_public_12012016fin.pdf), accessed on: 2 May 2018. <http://natocouncil.ca/information-the-perfect-weapon-in-todays-wired-world-a-three-part-series>. 2016.
- Pomerantsev, P., & Weiss, M. (2014). *The Menace of Unreality: How the Kremlin Weaponizes Information, Culture and Money*. The Interpreter. New York: The Institute of Modern Russia, Inc.
- Pravoslavie.ru. (2014). "Bishops Want More Autonomy for Moscow- Governed Belarusian Church." <http://www.pravoslavie.ru/english/75996.htm>. Accessed January 21, 2016.
- Razumkov Center (2019), "Socio-Political Conflict and the Church", Kiev. Available at: <http://www.razumkov.org.ua>.
- Rand Corporation(2018), Russian Social Media Influence. [https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/research\\_reports/RR2200/RR2237/RAND\\_RR2237.pdf](https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/research_reports/RR2200/RR2237/RAND_RR2237.pdf).
- Rotaru, Vasile(2017), "Forced Attraction?. Problems of Post-Communism", vol. 00, no. 00, 2017, 1–12 Copyright © 2017 Taylor & Francis Group, LLC ISSN: 1075-8216 (print)/1557-783X (online) DOI: 10.1080/10758216.2016.1276400.
- Russell, M. (2016). Russia's information war: Propaganda or Counter-propaganda? European Parliament Think Tank, European Parliamentary Research Service.
- Ryabinska, N. (2011). The Media Market and Media Ownership in Post-Communist Ukraine: Impact on Media Independence and Pluralism. *Problems of Post-Communism Journal*, Volume 58, no. 6.
- Ryzhkov, Vladimir. (2015). "Russian Orthodox Church Facing Ukraine Split." *The Moscow Times*, January 22. <http://www.themoscowtimes.com/opinion/article/russian-orthodox-church-facing-ukraine-split/523690.html>.
- Sengupta, K. (2015). Viktor Yushchenko: "Every politician in Ukraine who turns to the West is in danger". *Independent*, Wednesday 14 October 2015, available at:<https://www.independent.co.uk/news/people/viktor-yushchenko-every-politician-inukraine-who-turns-to-the-west-is-in-danger-a6694311.html>, accessed on: 12 September 2018].
- Stent, angela(2018), "Russia and Eurasia". *Survival*, 60:4, 193-199.
- Subtelny, O. (2000). *Ukraine: A History*. Toronto: University of Toronto Press. Thornton, R. (2015). The Changing Nature of Modern Warfare. *The RUSI Journal*, Vol.160, No.4.
- The Borgen Project(2018), Ukraine corruptions. <https://borgenproject.org/hunger-in-ukraine-corruption-west-war-east>.
- Wolchik L. S., & Zviglyanich V., (2000). *Ukraine: The Search for a National Identity*. Lanham: Rowman and Littlefield Publisher Inc.
- Word Press(2014), Russian Operational Art of War in Crimea, March 2014. <https://airspacehistorian.wordpress.com/2014/11/05/russian-operational-art-of-war-in-crimea-march-2014>.